



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوة  
والتسلیمة

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



کتابخانه ملی افغانستان  
وزارت فرهنگ و ارث ملی افغانستان

# دو مین در زدای ولایت کنگره بین المللی غدیر

گرجستان - قفلیس  
۲۲ دی ۱۳۸۴  
۱۱ ذی الحجه ۱۴۲۶  
2006 jan 12

مرکز مدیریت حوزه علمیه قم  
بنیاد بین المللی غدیر  
موسسه آل البیت گرجستان  
سازمان اوقاف و امور خیریه  
سناد بزرگداشت غدیر استان قم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ندای ولایت در دومین کنگره بین‌المللی غدیر

نویسنده:

ستاد بزرگداشت غدیر استان قم با مشارکت مدیریت حوزه  
علمیه قم مجمع جهانی اهل بیت بنیاد بین‌المللی غدیر

ناشر چاپی:

انتشارات مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	ندای ولایت در دومین کنگره بین المللی غدیر
۸	مشخصات کتاب
۸	مقدمه
۸	پیام حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی «دامت برکاته»
۱۰	مقاله مدیر محترم حوزه علمیه قم حضرت آیت الله حسینی بوشهری
۱۰	شخصیت‌های استثنایی تاریخ
۱۰	امیر المؤمنین علی علیه السلام و ویژگی‌های بی‌همانند او
۱۰	تفاوت‌ها درباره علی علیه السلام
۱۰	علی علیه السلام اسوه زندگی
۱۱	علی علیه السلام و منطق ثابت او
۱۱	غدیر، جلوه شخصیت علی علیه السلام
۱۱	مقاله حجّت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی
۱۱	مقاله حجّت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی
۱۱	غدیر، استمرار رسالت جهانی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله
۱۲	حجّة الوداع، نکته‌ها و پیام‌ها رسالت جهانی و تعیین جانشین
۱۳	اعلام عمومی و اتمام حجّت
۱۳	سیره پیامبران و نصب جانشین
۱۴	نخستین سخنرانی رسول خدا صلی الله علیه وآله در مکه مکرمه
۱۵	مخالفت صحابه با دستور رسول اکرم صلی الله علیه وآله
۱۵	پیام‌های این قضیه
۱۵	دومین خطبه رسول اکرم صلی الله علیه وآله روز عرفه
۱۶	نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

- نکته‌ها و پیام‌های این خطبه ..... ۱۶
۱. امنیت جانی ..... ۱۶
۲. امنیت اقتصادی ..... ۱۶
۳. رعایت حقوق زن ..... ۱۶
۴. تبیین جایگاه قرآن ..... ۱۷
۵. انجام وظایف رسالت ..... ۱۷
- سومین خطبه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله پس از عید قربان (۳۹) - ..... ۱۸
- نکته‌ها و پیام‌های این خطبه ..... ۱۸
- نکته‌ها و پیام‌های این خطبه ..... ۱۸
۱. آگاهی رسانی گسترده ..... ۱۸
۲. ارزش دادن به برداشت غایبان ..... ۱۸
۳. حقوق متقابل رهبران جامعه و ملت‌ها ..... ۱۹
۴. جایگاه وحدت در تفکر اسلامی ..... ۱۹
۵. نگرانی از آینده امت اسلامی ..... ۱۹
۶. پیروی از کتاب و اهل بیت‌علیهم السلام ضامن امنیت جامعه ..... ۱۹
- چهارمین خطبه رسول اکرم‌صلی الله علیه وآله در غدیر خم به نقل اهل سنت ..... ۲۰
- شگفتی‌های همایش عمومی غدیر ..... ۲۰
- شگفتی‌های همایش عمومی غدیر ..... ۲۰
- زمان همایش ..... ۲۱
- مکان همایش ..... ۲۱
- شرکت کنندگان در همایش ..... ۲۱
- وضعیت روحی پیامبرصلی الله علیه وآله ..... ۲۱
- اهمیت پیام ..... ۲۱
- نکته‌ها و پیام‌های خطبه غدیر ..... ۲۲

- ۲۲ ..... وظیفه ما در برابر غدیر
- ۲۴ ..... مقاله حجّت الاسلام و المسلمین فاضل هرنندی
- ۲۴ ..... مقاله حجّت الاسلام و المسلمین فاضل هرنندی
- ۲۴ ..... حضرت مسیح در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۶ ..... پی نوشت ها
- ۲۸ ..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## ندای ولایت در دومین کنگره بین المللی غدیر

### مشخصات کتاب

سرشناسه: کنگره بین المللی غدیر (نخستین: ۱۳۸۳: قم) عنوان و نام پدیدآور: ندای ولایت در اولین کنگره بین المللی غدیر / [برگزارکننده ستاد بزرگداشت غدیر استان قم با مشارکت مدیریت حوزه علمیه قم مجمع جهانی اهل بیت بنیاد بین المللی غدیر].  
 مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ستاد بزرگداشت غدیر استان قم ۱۳۸۴ مشخصات ظاهری: ۸۰ ص ۱۹ × ۱۰ س م شابک: ۳۵۰۰ ریال وضعیت فهرست نویسی: فایا یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: غدیر خم -- کنگره‌ها موضوع: ولایت -- کنگره‌ها شناسه افزوده: ستاد بزرگداشت غدیر شناسه افزوده: حوزه علمیه قم شناسه افزوده: مجمع جهانی اهل بیت (ع) شناسه افزوده: بنیاد بین المللی غدیر شناسه افزوده: مسجد جمکران (قم) رده بندی کنگره: BP۲۲۳/۵۴/ک ۱۳۸۳ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۵۲ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۴-۱۱۹۳۸

### مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً دومین کنگره بین المللی غدیر در تفلیس پایتخت کشور گرجستان، که در گذشته متصل به کشور ایران بوده و هم اکنون حدود ۷۰۰ هزار شیعه دارد برگزار گردید. علاوه بر پیام‌های و مقالاتی که در این کتاب آمده، مقالاتی نیز از طلاب و دانشجویان محترم گرجی و آذری و ... ارایه گردید. در برگزاری این کنگره سفیر محترم جمهوری اسلامی ایران، نماینده سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور، نماینده مجمع جهانی اهل بیت‌علیهم السلام، نماینده دفتر معظم رهبری در آذربایجان، نماینده ریاست جمهوری گرجستان، اسقف اعظم مسیحیان گرجستان، نمایندگان از واتیکان و مسیحیان آمریکا، سفیر جمهوری آذربایجان، سفیر ترکیه، معاون رئیس جمهوری گرجستان در امور ادیان در جلسه حضور داشتند که برخی از آنان عضو هیئت رئیسه نیز بوده‌اند. در برگزاری این اجلاس و با توجه به امکانات محدود، هیئتی از شهر مقدس قم چند روزی را پی‌گیر آماده‌سازی و مقدمات کار بودند. محل برگزاری این اجلاس ساختمان مؤسسه آل‌البیت‌علیهم السلام گرجستان و برگزار کنندگان این اجلاس مدیریت حوزه علمیه قم، بنیاد بین المللی غدیر، مؤسسه آل‌البیت‌علیهم السلام، ستاد بزرگداشت غدیر استان قم و سازمان اوقاف و امور خیریه و دبیر کل کنگره استاد گران‌قدر حضرت حجّت الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری بودند. از مسؤولین محترم صدا و سیما، معاونت امور بین‌الملل، به ویژه نمایندگی صدا و سیما در باکو و مسؤول اجرایی کنگره در گرجستان حجّت الاسلام والمسلمین حاج سید صادق هاشمی ده سرخی و تمام عزیزانی که ما را در برگزاری این کنگره یاری نموده‌اند، کمال تشکر و قدردانی را داریم. حسین احمدی قمی دبیر اجرایی دومین کنگره بین المللی غدیر

### پیام حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی «دامت برکاته»

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا ابي القاسم محمّد وعلى آله الطيبين الطاهرين المعصومين. قال الله تبارك وتعالى: يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك من ربك وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس... نعمت هدايت بشر توسط انبيای عظام، بزرگ‌ترین موهبتی است که خداوند به بشریت ارزانی داشته و منت عظیمی است که هیچ امری با آن برابری نمی‌کند، و افتخار ما مسلمانان آن است که مرحله کامل این هدايت و جامع‌ترین شریعت خداوندی،



توسط بزرگ‌ترین پیامبر الهی نصیب ما گردید. دین اسلام عصاره و نتیجه تبلیغ همه انبیای الهی و کامل‌ترین ادیان است و پیام‌آور این دین شخصیتی است که همه انبیای گذشته، آرزوی درک حضور او را داشتند. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در طول بیست و سه سال زندگی مبارک خویش، آنچه را که مأمور به تبلیغ آن بودند، برای مردم بیان فرمودند و در این راه مقدس، متحمل رنج‌ها و زحمات فراوان شدند، تا این که انسان در بند جاهلیت را از پرتگاه جهل و نادانی و ذلت بت‌پرستی نجات داده و به آن‌جا رسانیدند که درخور شأن خلیفه‌اللهی است. مسلم است آنچه با رنج فراوان به دست آمده، باید باقی بماند، باید بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله کسانی باشند که این دین جاودانی و همیشگی را پاسداری نمایند. باید برای تبیین کتاب آسمانی قرآن و تفسیر و توضیح آن، کسانی باشند که بتوانند دقیقاً آنچه را که خداوند تبارک و تعالی اراده فرموده برای مردم بیان نمایند. باید کسانی باشند که واجد درجه عصمت باشند و به صورت صحیح، مقصود خداوند را برای جامعه تبیین نمایند. از این جهت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دستور خداوند متعال در حَجَّۃُ الْوَدَاعِ و در موضعی به نام غدیر خم در یک ابلاغ عمومی و گسترده، علی بن ابی طالب علیه السلام را به عنوان جانشین خود معرفی فرمود. گرچه پیامبر عزیز در مناسبت‌های مختلف حتی از آغاز رسالت، با الفاظ و عبارات متفاوت این امر را به مردم تفهیم نموده بود، اما از طرف خداوند مأمور شد که در یک جمع فراوان از مسلمانان، بیان کند که همان طوری که من بر شما ولایت دارم، علی علیه السلام هم همان نحوه ولایت را دارد و هر کسی که من مولا و سرپرست او هستم، علی هم همین‌طور (من کنت مولاه فهذا علی مولاه) و سپس در حق دوستان آن بزرگوار دعا فرموده و دشمنان او را نفرین کرده: «اللَّهُمَّ وَالِ مِنْ وَالَاهِ وَعَادِ مِنْ عَادَاهِ وَانصِرْ مِنْ نَصْرِهِ وَاخْذَلْ مِنْ خِذْلِهِ». بعد از این جریان بود که خداوند فرمود: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الإسلام دیناً؛ امروز دین را برای شما کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و برای شما به دین اسلام راضی گشتم». بنابراین با تحقق ولایت، دین خداوند کامل گشت و عید غدیر، عید ولایت و اتمام نعمت و اکمال دین گردید. این حدیث شریف را فریقین در کتب خود، به طرق مختلف نقل نموده‌اند، بلکه طرقی را که علمای اهل سنت ذکر نموده‌اند به مراتب از نظر تعداد، بیشتر از آن چیزی است که شیعیان نقل نموده‌اند و هیچ جای انکار در صدور این فرمان الهی نیست، به طوری که مسلمانان حاضر در آن اجتماع عظیم به امیر المؤمنین علیه السلام تبریک گفته و اظهار داشتند: «بخ بخ لک یا علی!» نمی‌توانند نسبت به صدور این حدیث شریف تردیدی کنند، در صدد تأویل آن برآمده که صد البته علمای اسلام و افراد منصف و مدافعین واقعی اسلام از آن دفاع نموده و درباره آن، کتاب‌ها نوشته‌اند که کتاب گران سنگ «الغدیر» یکی از بهترین این کتب است. باید دانست که نعمت بزرگ امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام با ارزش‌ترین گوهری است که خداوند به ما عنایت فرموده است، با تمسک به این جبل متین الهی و با تبعیت از این شجره طیبه است که می‌توان سعادت دنیا و آخرت را رقم زد. هلاکت و نجات در اعتقاد و عدم اعتقاد به این خاندان و در حبّ و ولاء و فرمان‌بری از آنان است. در دنیای پر از ظلمت امروز و آکنده از ظلم و تجاوز و مشحون از عقاید باطل و سخیف و مالا مال از حيله و تزویر و نیرنگ و زور، تنها و فقط تنها چراغی که روشنایی حقیقی و دائمی دارد، سراج منیر عترت و انوار مشعشع و پر از فروغ علی بن ابی طالب و اولاد طاهرین ایشان؛ خصوصاً حجت حیّ زمان، ولی مطلق دوران، حضرت صاحب الزمان «عَجَلِ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ» است، و همه باید بدانیم در پرتو این ذوات مقدسه است که می‌توان به حقیقت قرآن دست یافت و از هدایت آن بهره برد، با بیان و تفسیر اینان، هدایت‌گری قرآن به منصف ظهور می‌نشیند. اینجانب ضمن تبریک این عید سعید به همه مسلمانان و شیعیان و ضمن تشکر و تقدیر از برگزار کنندگان این اجتماع و مجلس مهم، به همه مسلمانان و شیعیان و به همه طبقات؛ خصوصاً دانشجویان و طلاب و اهل فکر و نظر توصیه می‌کنم که مبدا این سفره گسترده از امامت محروم باشید و باید قلب و دل و زبان خود را همیشه مزین و مترنم به کلمات دُرر بار آنان بنماییم. باید بدانیم حق آن چیزی است که مطابق با کلمات آنان باشد و آنچه را که آنان باطل می‌دانند، واقعاً باطل است و این مطلب نه از وادی حبّ و تعصب است، بلکه مستند به کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «عَلَى

مع الحقِّ والحقِّ مع علی، یدور معه حیثما دار». خداوند همه را از پیروان واقعی اسلام و پیامبر و ائمه طاهرین علیهم السلام قرار دهد. إن شاء الله. محمّد فاضل لنکرانی

## مقاله مدیر محترم حوزه علمیه قم حضرت آیت الله حسینی بوشهری

### شخصیت‌های استثنایی تاریخ

بشر در تاریخ زندگی خود شاهد شخصیت‌هایی بوده که با تحرک و انقلاب خود، کشتی زندگی انسان‌ها را به ساحل نجات رسانده‌اند و از سقوط و نابودی در غرقاب بدبختی نجات داده‌اند. برای چنین افرادی فنا و نابودی مفهوم ندارد و همواره اشعه حیات بخش آن‌ها بسان خورشید بر تارک اعصار می‌درخشد. در این میان، دسته خاصی بیش از طبقات دیگر مورد عشق و علاقه مردم می‌باشند. این گروه، مرئیان آسمانی و پیشوایان بزرگ الهی هستند.

### امیر المؤمنین علی علیه السلام و ویژگی‌های بی‌همانند او

از چهره‌های بسیار درخشان و برجسته این گروه، امیر المؤمنین علی علیه السلام است؛ زیرا او از نظر ایمان، عقیده، اخلاص، پاکی و تقوی، علم و دانش، سماحت و بخشش، شهامت و شجاعت، عطف و مهربانی، عدالت گستری، عشق و علاقه به معنویت و سایر ارزش‌های الهی در درجه‌ای قرار گرفته که ابعاد شخصیت او را نمی‌توان با مقیاس‌های معمولی سنجید. اگر مرور زمان برای شخصیت‌های معمولی وسیله فراموشی است؛ ولی درباره شخصیت علی علیه السلام درست نتیجه معکوس می‌دهد و روز به روز دنیا در مقابل وجود او، بیشتر سر تعظیم فرود می‌آورد.

### تفاوت‌ها درباره علی علیه السلام

او کسی است که افراد مختلف درباره او قضاوت کرده‌اند. شبلی شمیل درباره او می‌گوید: «الإمامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (علیه السلام) عَظِيمُ الْعُظْمَاءِ، نُسخَةٌ مُفْرَدَةٌ لَمْ يَرْ لَهَا الشَّرْقُ وَلَا الْغَرْبُ صُورَةٌ طَبَقَ الْأَصْلَ لَا قَدِيمًا وَلَا حَدِيثًا؛ او بزرگ بزرگان است، یگانه نسخه‌ای است که با اصل خود (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) مطابق است و هرگز شرق و غرب نسخه‌ای مطابق او در گذشته و حال ندیده.» جورج جرداق در کتاب صوت العدالة الإنسانية می‌گوید: «ماذا عَلَيْكَ يا دُنْيَا! لَوْ حَشَدَت قُؤَاك، فَأَعْطَيْتَ فِي كُلِّ زَمَنٍ عَلِيًّا بَعْقَلِهِ وَقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَذِي فِقَارِهِ؛ چه می‌شد ای روزگار! قدرت‌ها و نیروهای خود را بسیج می‌کردی و در هر دوره‌ای، انسانی را مانند علی از نظر خرد، روح و روان، سخن و بیان، قدرت و شجاعت، به جامعه بشری تحویل می‌دادی؟»

### علی علیه السلام اسوه زندگی

هر مکتب و مرامی وقتی پا به عرصه وجود می‌گذارد، برای این که بتواند جاذبه ایجاد نماید و دل‌ها را تسخیر کند، اقداماتی انجام می‌دهد. یکی از آن اقدامات، کار تبلیغی است و از طریق تبلیغ به معرفی آن مکتب می‌پردازد؛ ولی اقدامی مؤثرتر از آن، ارائه الگو یا الگوهای موفق است. مکتب‌های انبیای الهی به خصوص قرآن و اسلام، علاوه بر استفاده از روش تبلیغ، از این روش موفق بهره برده‌اند. در جای جای قرآن به شرح زندگی پیامبران الهی پرداخته است. از جمله شخصیت‌های نمونه‌ای که هم قرآن او را معرفی کرده و هم پیامبر صلی الله علیه و آله، شخصیت امیر المؤمنین علیه السلام است. قرآن کریم در یکجا می‌فرماید: «إِنَّمَا وَكَّلْنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»؛ (۱) همانا ولی و سرپرست شما، خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و

کسانی هستند که نماز را به پا می‌دارند و در حال رکوع در راه خدا به مستمندان انفاق می‌کنند. و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره او می‌فرماید: «یا عَلِيُّ! مَا عَزَمَكَ غَيْرُ اللَّهِ وَغَيْرِي؛ ای علی! غیر از من و خدا کسی تو را نشناخت.» این چنین شخصیتی می‌تواند بهترین سرمشق زندگی انسان‌ها قرار گیرد. او بسیاری از واژه‌ها را ترجمه و معنا کرد، که اگر قدم به جهان هستی نمی‌گذاشت، آن کلمات بدون مصداق باقی می‌ماند؛ واژه‌هایی چون: ایثار، عدالت، شجاعت، زهد، تقوی و عبادت و دستگیری از محرومان.

### علی علیه السلام و منطق ثابت او

کمت‌ر کسی پیدا می‌شود که در همه شرایط زمانی و مکانی یک منطق داشته باشد، یک منطق ثابت و محکم که از منطق خود تجاوز نکند. نویسنده‌ای به نام «علی الوردی» که استاد دانشگاه است، تعبیری به کار برده که بیانگر عظمت امیر المؤمنین علیه السلام است. می‌گوید: «انصاف این است که علی در زندگی خود این اصل مارکس را نقض کرد که یک انسان نمی‌تواند دارای یک منطق ثابت باشد، در کاخ و کوخ یک جور فکر کند. خواه ناخواه فکرش عوض می‌شود و آن عقربه فکرش در جهت وضع اجتماعی‌اش تغییر می‌کند. تاریخ علی علیه السلام نشان داد که مطلب از این قبیل نیست؛ به جهت این که ما او را در وضع طبقاتی اجتماعی مختلف می‌بینیم. در حدّ نزدیک به صفر و در آن نقطه اوج. علی یک روز به عنوان یک فرد عادی ظاهر می‌شود که به کار زراعت و حفر قنات می‌پردازد، او یک جور فکر می‌کرد، همین علی بعدها که اسلام توسعه پیدا کرد، و به خلافت و رهبری مسلمانان برگزیده شد، همان نحوه فکر و اندیشه را دارد. او از راه عدالت، انسان دوستی و احترام به ممنوع لحظه‌ای فاصله نمی‌گیرد.»

### غدیر، جلوه شخصیت علی علیه السلام

آنچه درباره وجود مقدّس امیر المؤمنین علیه السلام بیان شد، این زمینه را فراهم ساخت که خداوند به پیامبرش دستور دهد که او را به عنوان جانشین خود معرفی کند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ (۲) ای رسول خدا! آنچه مقرر شده از ناحیه خداوند (خلافت و رهبری علی علیه السلام) را به جامعه ابلاغ کن. که اگر ابلاغ نکنی و این مأموریت را انجام ندهی، گویا رسالت خود را به انجام نرسانده‌ای. اینجاست که می‌بینیم: پس از پایان سفر حج، پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را در مکانی که هر کدام از آن‌ها به سمت شهر و دیار شان باز می‌گشتند، متوقف نمود و این مأموریت بزرگ الهی را به مسلمانان ابلاغ کرد. و با جمله زیبای: «اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالِ الْاَهُ وَعَادِ مَنْ عَادَهُ» به معرفی او پرداخت. امیدواریم خداوند ما را جزء علاقه‌مندان و رهروان آن امام و پیشوای انسانیت قرار دهد، و این روز عید بزرگ اسلامی را بر همه ما مبارک گرداند. سید هاشم حسینی بوشهری قم المقدّسه ۱۶/۱۰/۸۴

### مقاله حجت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی

### مقاله حجت الاسلام والمسلمین حسینی قزوینی

### غدیر، استمرار رسالت جهانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

شکی نیست که غدیر، تنها یک حادثه طبیعی در گذرگاه زمان نیست؛ بلکه غدیر، درخشش نور هدایت خداوندی، در سراسر هستی است. غدیر، یک رخدادی ساده در بستر تاریخ نیست؛ بلکه غدیر، پیام جاودانی اسلام برای همه نسل‌ها در تمام عصرها است. غدیر، بخشی از زمان، و یا قطعه‌ای از زمین نیست؛ بلکه غدیر، استمرار رسالت جهانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تمام

ملت‌ها و امت‌ها در امتداد تاریخ بشر است. غدیر، یک موضوعی ساده از معارف اسلامی نیست؛ بلکه غدیر، ملاک و معیار راستینی برای ایجاد وحدت امت اسلامی با همه اختلافات نژادی و فرهنگی است. آری! غدیر، ندای روشنی است برای بسیج همه نیروهای ملت اسلامی در سراسر گیتی و بهره‌گیری از همه توانها در برابر دشمنان دیرینه اسلام. غدیر، بانگ خروشی است بر همه کجی‌ها و انحرافات در تاریخ اسلام. غدیر، سرآغاز شکل‌گیری فصل جدیدی از تاریخ اسلام است که با معرفی رسمی ولایت علی‌علیه السلام دین الهی کمال یافت و نعمت حق به اتمام رسید و رضایت پروردگار از اسلام راستین محمدی صلی الله علیه و آله اعلام گردید. چنان‌که در قرآن آمده است: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا». غدیر، استمرار رسالت انبیا از حضرت آدم تا حضرت خاتم (علیهم السلام) است که بدون آن، رسالت حق نا تمام و تلاش بی‌وقفه بیست و سه ساله رسول خدا صلی الله علیه و آله به ثمر نمی‌نشست؛ «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ». غدیر، معرفی ابر مرد تاریخ بشریت است که کارنامه زندگی‌اش، سراسر افتخار و عزت و مجاهدت منحصر به فردی است که مایه مباهات آزاد اندیشان است که دانشمند بلند آوازه ای همانند جورج جرداق مسیحی می‌گوید: «ماذا عَلَيْكَ يَا دُنْيَا! لَوْ حَسَدَتْ قَوَاكُم، فَأَعْطَيْتَ فِي كُلِّ زَمَانٍ عَلِيًّا بِعَقْلِهِ وَقَلْبِهِ وَلِسَانِهِ وَذِي فِقَارِهِ»؛ (۳) ای دنیا! چه می‌شد که تمام نیروی خود را بسیج می‌کردی و برای هر عصری شخصیتی همانند علی را با آن عقل محکم و قلب استوارش و شمشیر بزانش به جامعه تحویل می‌دادی». غدیر، شناساندن مردی است که پرچم پرافتخار اسلام تنها به دست باکفایت او به اهتزاز در آمد. خلیفه دوم می‌گوید: «وَاللَّهِ! لَوْلَا سَيِّفُهُ لَمَا قَامَ عَمُودُ الْإِسْلَامِ» (۴). غدیر، یعنی شناختن کسی که، نه تنها پیشتاز در صحنه برقراری عدالت بود؛ بلکه خود نیز از این رهگذر الگویی کارآمد به شمار می‌آمد و هنوز هم با همان ویژگی‌های منحصر به فرد، برجسته‌ترین شاخص برقراری عدالت شناخته می‌شود، به گونه‌ای که «میخائیل نعیمه» از شخصیت‌ها و نویسندگان بزرگ مسیحی می‌گوید: قهرمانی‌های امام علی‌علیه السلام، تنها منحصر به میدان‌های کارزار نیست؛ بلکه او در روشن اندیشی، پاکی وجدان، سحر بیان، عمق و کمال انسانیت، شور و حرارت ایمان، بلندی همت و فکر، یابری و هواداری از رنج دیده‌ها و ستم کشیده‌ها در قبال جفا کاران و ستم پیشگان و فروتنی در مقابل حق، هر جا که تجلی کند نیز قهرمان است. و همه این قهرمانی‌ها به هر اندازه که از زمان آن بگذرد، همیشه پناهگاه پُر مایه‌ای است که امروز و هر روز دیگری که شوق ما برای پی‌ریزی اجتماع و زندگی سعادت‌مندانه و فاصله‌ای تشدید می‌شود، به سوی آن رو می‌کنیم. (۵) غدیر، یعنی شناسایی مردی که در تمام ابعاد انسانی؛ همانند: شجاعت و مهربانی، عبادت و سیاست، علم و عمل، برازندگی و بالندگی، همه و همه منحصر به فرد بود، به گونه‌ای که پس از ۱۴۰۰ سال، چشم بشر مانند او را ندیده است، آن گونه‌ای که «شبل‌شیل»، شاگرد داروین و ناشر نظریه تحول در شرق و منکر مقدسات و جهان‌ماورای طبیعت، می‌گوید: «الإمامُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام) عَظِيمُ الْعُظَمَاءِ، نَسِخَةُ مُفْرَدَةٍ لَمْ يُرْ لَهَا الشَّرْقُ وَلَمَّا الْعَرَبُ صُورَةٌ طَبَقَ الْأَصْلَ لَا قَدِيمًا وَلَا حَدِيثًا» (۶)؛ او بزرگ بزرگان است، یگانه نسخه‌ای است که با اصل خود (پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله) مطابق است و هرگز شرق و غرب نسخه‌ای مطابق او در گذشته و حال ندیده. آری! غدیر، پایه‌گذاری حکومت جهانی حضرت مهدی - عَجَلِ اللهُ فَرَجَهُ الشَّرِيفِ - است که تحقق‌بخش آرمان همه پیامبران، صالحان و مستضعفان می‌باشد. و اینک برای بررسی حادثه غدیر، نه تنها باید خطبه غدیر خوانده شود و یا مراسم بیعت با صاحب غدیر به گفت و گو گذاشته شود؛ بلکه حرکت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین سفر خود از مدینه تا مکه و از مروه تا عرفات و از منی تا غدیر خم باید بررسی شود و همه سخنرانی‌های آن حضرت در طول سفر، در کنار کوه مروه، در صحرای عرفات، در گوشه منی و در منطقه رابع (کنار جحفه) که همه و همه زمینه‌ساز همایش بزرگ ولایت بود، مورد مطالعه قرار گیرد، تا اهمیت دو چندان این قضیه بر همگان روشن شود و پیام جاودانه غدیر به گوش عموم برسد و راه عذر و فرار بر دوست و دشمن بسته شود.

از آن جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خاتم پیامبران است و با رسالت او پرونده نبوت برای همیشه پایان می‌پذیرد؛ از این رو، باید برای استمرار هدف‌های بزرگ رسالت خویش، کسانی را جایگزین نماید تا بار این مسؤولیت سنگین را برعهده گیرند. و از آن جایی که رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ویژه قوم و قبیله خاصی نبود، بلکه حضرت صلی الله علیه و آله برای همه نسل‌ها در تمام عصرها مبعوث شد و شریعت ایشان تا ابد جاودانه است، باید برای زمان پس از خود، کسانی را برگزیند که بیانگر احکام الهی برطبق مقتضیات هر عصر و زمان بوده و بتوانند پاسخ‌گوی مشکلات جوامع متمدن و پیشرفته جهان باشند. از این روست که پس از نزول آیه شریف: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ» (۷) رسول گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: «من بیم دهنده امتم». و آن‌گاه دست بر شانه علی علیه السلام نهاد و فرمود: «تو هدایت‌گر امّتی و به دست تو هدایت‌یافتگان، هدایت خواهند شد.» (۸) حاکم نیشابوری عالم بلندآوازه اهل سنت به روایت صحیح از حضرت امیر علیه السلام نقل کرده که فرمودند: «رسول گرامی صلی الله علیه و آله بیم دهنده و من هدایت‌گر هستم.» (۹) آلوسی مفسر بزرگ اهل سنت نیز، در تفسیر این آیه شریف می‌نویسد: «انسان کامل که مسؤولیت جانشینی الهی را بر دوش می‌کشد، باید تا برپایی قیامت، جاودانه در عالم هستی بماند. به مجرد این که آن انسان کامل و جانشین الهی از این جهان رخت برنهد، نابودی گیتی فرا خواهد رسید؛ زیرا او روح عالم هستی و قوام آن وابسته به اوست.» (۱۰)

### اعلام عمومی و اتمام حجت

رسول گرامی صلی الله علیه و آله در طول ۲۳ سال تلاش بی‌دریغ و با تحمل دشواری‌های فراوان، توانست بساطت پرستی را در جزیره العرب برچیده و ندای اسلام ناب را به گوش مردم برساند. تمام قبایل عرب، یا با جان و دل، به آیین مقدس اسلام روی آوردند، و یا پس از تلاش مذبحخانه چندین ساله در برابر اسلام، سرانجام در برابر قدرت سربازان سلحشور و مجاهدان نستوه اسلامی سر تسلیم فرود آورده بودند، به گونه‌ای که ندای ملکوتی توحید، سراسر جزیره العرب را فرا گرفته بود. زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله دریافت که سال پایانی عمر مبارک خود را طی می‌کند و به زودی به دیدار معبود خواهد شتافت، برای این که تلاش ۲۳ ساله خود را به کمال برساند و اهداف رسالت خویش را برای همیشه از انحراف بیمه کند، بر آن شد تا در آخرین سال عمر شریف خود به زیارت خانه خدا برود و دستور داد که اعلام عمومی شود تا همه آنان که امکان سفر برایشان فراهم است، او را در این مسافرت همراهی کنند و در مراسم گزینش و اعلام جانشین او حاضر شوند و شاهد و ناظر این امر اساسی باشند. با انتشار این خبر، همه مهاجران و انصار و دیگر قبایل عرب و گروه‌های مختلف مردم از شهرها و روستاها و حتی عشایر صحرائشین با شور و هیجان به سوی مدینه آمدند تا به همراه رسول اکرم صلی الله علیه و آله اعمال حج را به جا آورند. بزرگان اهل سنت، آمار شرکت‌کنندگان در این حج را بین ۹۰۰۰۰ تا ۱۲۴۰۰۰ نفر تخمین زده‌اند. (۱۱) حضور جمعیت انبوه در این مراسم به دلایل زیر بود:

۱. حجت بر آنان تمام شود و راه هر گونه عذر و توجیه بسته شود. ۲. پیام این مراسم بزرگ و حماسی را به گوش آنان که حضور ندارند، برسانند. ۳. محتوای سخنان حضرت را در این مجتمع بی‌نظیر برای آیندگان بازگو کنند. از این روست که حضرت صدیقه طاهره علیها السلام می‌فرماید: «فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ حُمٍّ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرٍ» (۱۲) خداوند پس از مراسم غدیر خم، برای کسی راه گریز و عذری باقی نگذاشت.» و در برابر بهانه‌جویی‌های انصار فرمود: «وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ لِأَحَدٍ عُذْرًا؟!» (۱۳) آیا پدرم در غدیر خم عذری برای کسی باقی گذاشت؟! هم‌چنین بر پیمان شکنان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله فریاد برآورد: «أَنْتَيْتُمْ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ؟!» (۱۴) آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را فراموش کردید که در روز غدیر خم فرمود: هر کس من مولای اویم، علی مولای اوست.»

تمام پیامبران الهی برای نجات جامعه از سر در گمی و اختلاف، برای زمان پس از خود جانشین معین کرده‌اند؛ «لکل نبی وصی و وارث» (۱۵) مانند شیث، که جانشین حضرت آدم بود (۱۶) و نیز هارون، که جانشین حضرت موسی علیه السلام بود و پس از درگذشت او در زمان حضرت موسی علیه السلام منصب خلافت به نام یوشع بن نون رقم خورد (۱۷) و هم چنین شمعون به مقام جانشینی حضرت عیسی علیه السلام برگزیده شد. (۱۸) به یقین رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز از این قاعده و سنت الهی مستثنی نبوده، بلکه خداوند متعال پس از آن که شماری از پیامبران گذشته را یاد می‌کند، آن‌گاه به حضرتش دستور می‌دهد که از سیره آنان پیروی کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ» (۱۹)؛ پیامبران گذشته به هدایت الهی دست یافته‌اند، پس به هدایت آنان اقتدا نما. بلکه فراتر از این، رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تمام غزوات و مسافرتها، برای غیبت چند روزه از مدینه، یکی از اصحاب را جانشین خود در مدینه قرار می‌داد؛ (۲۰) برای نمونه رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابن اُمّ مکتوم را در سیزده غزوه (بدر، أحد، ابواء، سویق، ذات الرقاع و ...) به جانشینی خود در مدینه برگزید. (۲۱) ابو رُهم را به هنگام عزیمت به مکه، جنگ حنین و خیبر، محمد بن مسلمه را در جنگ قرقره، نمیله بن عبدالله را در جنگ بنی المصطلق و عویف را در جنگ حدیبیه و ... جانشین خود قرار داد. (۲۲) بنابراین، معقول نیست که بگوییم رسول اکرم صلی الله علیه و آله که برای خروج یک روزه از مدینه، مانند شرکت در جنگ أحد که در یک مایلی مدینه بود، برای خود جانشین برگزید؛ ولی امت اسلامی را بدون جانشین برای همیشه ترک نماید. هم چنین درست نیست که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای شرکت در جنگ خندق که در کنار مدینه بود، برای خود جانشین تعیین کند؛ اما برای زمان طولانی پس از خود، جانشینی را انتخاب نکند. از این رو بود که رسول گرامی صلی الله علیه و آله در سفر حجّه الوداع به هنگام خروج از مدینه، ابودجانه را به جانشینی موقت خویش در مدینه برگزید که در غیاب او، تمام امور مربوط را انجام دهد (۲۳) و در روز غدیر خم نیز برای همیشه علی علیه السلام و یازده فرزندش را جانشین و خلیفه خود معرفی فرمود تا وظیفه سنگین هدایت امت را بر دوش کشند.

### نخستین سخنانی رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه مکرمه

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در طول سفر خود در حجّه الوداع در موارد مختلف سخنانی کرد و با خواندن خطبه و بیان نکته‌های لازم، از سویی مسلمانان را با اساسی‌ترین تکالیف خود آشنا کرد؛ و از سویی دیگر زمینه را برای همایش عمومی برای جایگزینی جانشین فراهم آورد. سیوطی از استوانه‌های علمی اهل سنت، می‌نویسد: حاکم نیشابوری در روایتی که آن را صحیح می‌داند، از جابر نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سفر حجّه الوداع پس از ورود به مکه مکرمه و به جا آوردن مراسم سعی، در کنار کوه مروه فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ هَدَى فليحلل وليجعلها عمره»؛ (۲۴) آنان که قربانی با خود نیاورده‌اند باید از احرام بیرون بیایند و سپس روز ترویبه (هشتم ذی حجّه) در آستانه حضور در عرفات برای حج تمتع مُحرم شوند. ولی صحابه نپذیرفتند و گفتند: «أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ هَدَى فليحلل وليجعلها عمره»؛ (۲۵) زمانی که آثار نزدیکی با زنان را در خود مشاهده می‌کنیم، چگونه برای عرفات حرکت کنیم.» وقتی این سخن به گوش رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسید، روز چهارم ذی حجّه، در کنار کوه صفا خطبه‌ای خواند و پس از حمد الهی فرمود: «أَمَّا بَعْدُ؛ فَتَعْلَمُونَ أَيُّهَا النَّاسُ! لَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُكُمْ بِاللَّهِ وَأَتَقَاكُمْ لَهُ، وَلَوْ اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ أَمْرِي مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مَا سَقَتُمْ هَدِيًّا وَلَا حِلَّتْ؛ أَيُّ مَرْدَمٍ! مَنْ مِنْكُمْ شَاءَ أَنْ يَكُنَّ لَهُ خَدَاةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ. إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَيُّهَا النَّاسُ! مَنْ لَمْ يَكُنْ مَعِيَ هَدَى فليحلل وليجعلها عمره»؛ (۲۶) آنچه را دستور دادم، عمل کنید و مناسک خود را عمره قرار داده و از احرام بیرون بیایید، و اگر من قربانی همراه نداشتم، همان‌گونه که به شما دستور دادم، خود نیز عمل می‌کردم.»

## مخالفت صحابه با دستور رسول اکرم صلی الله علیه وآله

در صحیح مسلم، که اهل سنت آن را صحیح‌ترین کتاب بعد از قرآن می‌دانند، از قول عایشه آمده است: «قدم رسول الله صلی الله علیه وآله لأربع مضین من ذی الحجّة أو خمس، فدخل علیّ وهو غضبان. فقلت: من أغضبک یا رسول الله! أدخله الله النار؛ (۲۷) روز چهارم ذی حجّه بود که رسول اکرم صلی الله علیه وآله با ناراحتی و عصبانیت نزد من آمد، و من گفتم: یا رسول الله! چه کسی شما را غضبناک کرده است؟ خدا او را داخل آتش گرداند!» مسند احمد، دیگر کتاب معتبر اهل سنت، از زبان براء بن عازب، صحابی بزرگ پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده است: «خرج رسول الله صلی الله علیه وآله وأصحابه فأحرمننا بالحجّ، فلما قدمنا مکة قال: اجعلوا حجکم عمره. فقال الناس: یا رسول الله! قد أحرمننا بالحجّ، فكيف نجعلها عمره؟ قال: انظروا ما آمرکم به فافعلوا. فردّوا علیه القول، فغضب ثم انطلق حتّی دخل علی عائشة غضبان، فرأت الغضب فی وجهه فقالت: من أغضبک؟ أغضبه الله! قال: وما لی لا أغضب، وأنا آمر بالامر فلا أتبع؟! (۲۸) رسول اکرم صلی الله علیه وآله به همراه اصحاب خویش به سوی مکه حرکت کرد و همگی به نیت حجّ مُحرم شدیم. وقتی به مکه رسیدیم، حضرت دستور داد که حجّ خود را عمره قرار داده و از احرام بیرون آییم؛ ولی مردم سخن رسول خدا صلی الله علیه وآله را رد کرده و دستور حضرت را اطاعت نکردند. رسول خدا صلی الله علیه وآله غضبناک شد و از میان مردم بیرون آمد و راهی منزل عایشه گردید. وقتی عایشه حضرت را در آن حال دید، گفت: چه کسی شما را غضبناک ساخته که بر غضب خدا گرفتار آید؟! حضرت فرمود: چگونه غضبناک نشوم و حال آن که دستور مرا فرمان نمی‌برند.»

## پیام‌های این قضیه

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در طول ۲۳ سال همه کوشش‌های خود را برای آشنایی مردم با آیین اسلام و معارف قرآنی به کار برده است، ولی از آن جایی که ایمان در قلب و جان آنان جای نگرفته، هنوز نمی‌دانند که بی چون و چرا سخن رسول اکرم صلی الله علیه وآله باید اجرا شود، چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (۲۹) آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید؛ و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است! هنوز سخن حق را با جان و دل درک نکرده‌اند، که می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ \* إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ؛ (۳۰) تمام سخنان رسول گرامی صلی الله علیه وآله مطابق وحی الهی است، و سخن به گراف و هوای نفس بر زبان نمی‌راند. و هنوز نمی‌دانند که مخالفت و عصیان رسول گرامی صلی الله علیه وآله، همان مخالفت خدا و موجب گمراهی است؛ «وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (۳۱) از همه مهم‌تر، این سرپیچی آشکار صحابه و ایستادگی آنان در برابر فرمان رسول اکرم صلی الله علیه وآله نشان می‌دهد که قضیه عدالت صحابه افسانه‌ای بیش نیست؛ زیرا شرط نخست تحقق عدالت، انجام واجبات الهی است و کدام واجبی فراتر از دستور آشکار پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می‌باشد؟! و کدام گناهی بالاتر از آزار رسول اکرم صلی الله علیه وآله که موجب غضب او می‌شود، به گونه‌ای که عایشه را به نفرین وا می‌دارد؟!»

## دومین خطبه رسول اکرم صلی الله علیه وآله روز عرفه

در صحیح مسلم آمده است: رسول اکرم صلی الله علیه وآله روز عرفه در خطبه‌ای فرمود: «إِنَّ دِمَاءَ كَم وَأَمْوَالَكُم حَرَامٌ عَلَيْكُمْ كَحَرَمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا. أَلَا! كُلُّ شَيْءٍ مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمِي مَوْضُوعٌ وَدِمَاءُ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ... و ربا الجاهلیة موضوع و أول ربا أضع رباءاً، ربا عباس بن عبد المطلب، فإنه موضوع كله؛ همان گونه که این روز عرفه، ماه ذی حجّه و شهر مکه برای شما محترم است، خون و مال شما محترم بوده و هرگونه کشتار و خون‌ریزی و دست‌درازی به مالهای دیگران نیز حرام

است. ای مردم! آگاه باشید که من تمام آداب و رسوم زمان جاهلیت را زیر پا نهادم و نیز خونهایی که در دوران جاهلیت ریخته شده، باید فراموش شود و قابل قصاص نیست. و همه تعهدات ربوی که در جاهلیت منعقد شده، بی اعتبار است و کسی حق درخواست آنها را ندارد. نخستین مورد از مطالبات ربوی که از اعتبار انداختم، ربا های عمومی من عباس است که از مردم طلب داشت. \* \* \* «فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ، فَإِنَّكُمْ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانِ اللَّهِ وَاسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكَلِمَةِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوْطِئَنَّ فَرْشَكُمْ أَحَدًا تَكْرَهُنَّ، فَإِنْ فَعَلْنَ ذَلِكَ فَاضْرَبُوهُنَّ ضَرْبًا غَيْرَ مَبْرَحٍ وَلَهُنَّ عَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَكَسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ مردم! حقوق زنان را مراعات کنید؛ زیرا آنان امانت الهی اند و آنان هم باید حقوق شما را رعایت کنند و در صورت سرپیچی از وظایف شرعی، می توانید بر اساس موازین اسلامی آنان را ادب کنید، بی آن که بر آنان ستم کنید. و نفقه و هزینه زندگی زنان را باید به صورت شایسته و مطابق شئون آنان تأمین کنید.» \* \* \* «وقد تركت فيكم ما لن تضلوا بعده إن اعتصمتم به، كتاب الله وأنتم تسألون عني فما أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلغت وأدیت ونصحت. فقال بإصبعه السبابة يرفعها إلى السماء وينكتها إلى الناس: اللهم اشهد! اللهم اشهد! ثلاث مرّات، ثم أذن ثم أقام فصلى الظهر؛ (۳۲) من در میان شما کتاب خدا را به یادگار می گذارم که اگر به آن روی آورید، برای همیشه از هر گونه گمراهی در امان خواهید بود. اگر از شما درباره من پرسند، چه پاسخی می دهید؟! همگی گفتند: گواهی می دهیم که تمام کوشش خود را در امر رسالت انجام دادی و در ابلاغ رسالت و نصیحت امت، هیچ گونه کوتاهی نکردی. آن گاه حضرت انگشت سبابه خود را به سوی آسمان بلند کرد و به طرف مردم اشاره نمود و سه بار فرمود: خدایا! تو شاهد باش پس اذان و اقامه گفت و نماز ظهر را به جا آورد.» \* \* \*

## نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

### نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

#### ۱. امنیت جانی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این خطبه بر یکی از اساسی ترین وظیفه حکومت که تأمین امنیت جانی و حفظ ناموس افراد جامعه است - که بدون آن هیچ شهروندی احساس آرامش نمی کند - تأکید فرموده است.

#### ۲. امنیت اقتصادی

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این خطبه بر ثروتی که از راه ربا و بدون کوشش اقتصادی به دست آید، خط بطلان کشید و انباشته شدن ثروت از این راه را، که موجب گسترش بیکاری در جامعه می شود، غیر مشروع و اخلاص در امنیت اقتصادی بر شمرده است. روشن است که رشد و بالندگی اقتصادی هر جامعه به میزان ارزش نهادن به تلاشگران در سنگر اقتصادی بستگی دارد که بدون آن هیچ انگیزه‌ای برای فعالیت اقتصادی در افراد باقی نمی ماند. و از سویی نیز، بیکاری و فساد اقتصادی سرچشمه تمام مفسد اخلاقی و عقیدتی می شود که فرموده اند: «كاد الفقر أن يكون كفراً».

#### ۳. رعایت حقوق زن

با توجه به این که در دوران جاهلیت زن را تنها کالا- و ابزاری در دست مرد می دانستند و چه بسا نوزاد دختر را مایه ننگ جامعه می شمردند و در برخی از جوامع جاهلی آنان را زنده به گور می کردند، به گونه‌ای که عمر بن خطاب وقتی دید رسول اکرم صلی الله علیه و آله چگونه دختر نوزاد خود را نوازش داده و مورد محبت قرار می دهد، بی اختیار گفت: اگر خورشید اسلام چند سال



جلوتر طلوع کرده بود، ما اکنون دارای دختران زیادی بودیم. رسول خدا صلی الله علیه وآله در این خطبه بر اندیشه‌های جاهلی درباره زن خط بطلان کشید و جایگاه ویژه‌ای برای آنان در جامعه بشری ترسیم کرد.

#### ۴. تبیین جایگاه قرآن

قرآن تنها معجزه جاودانه رسول اکرم صلی الله علیه وآله است و باید برای همیشه در جوامع بشری مورد توجه قرار گیرد و تأمین سعادت هر فرد و جامعه، به شیوه بهره‌گیری از رهنمود قرآنی بستگی دارد و رسول گرامی صلی الله علیه وآله در این بخش از خطبه خویش اهمیت قرآن و نقش آن در بیمه کردن جامعه از هر گونه ضلالت و گمراهی را گوشزد فرمود. گرچه با قراین دیگر می‌دانیم که رسول اکرم صلی الله علیه وآله در هر کجا سخن از قرآن به میان آورده، آن را قرین به اهل بیت علیهم السلام قرار داده و نشان داده است که روی آوردن به قرآن بدون پیروی از اهل بیت علیهم السلام که تبیین کننده قرآنند، امکان‌پذیر نیست و به تنهایی نمی‌تواند افراد و جامعه را از هر گونه انحراف بیمه کند. ولی از آن‌جا که سیاست حاکمان اسلامی، بساط حکومت خود را بر مبنای مخالفت با اهل بیت علیهم السلام استوار ساخته بودند و دوام حکومت خود را در مبارزه با اهل بیت علیهم السلام می‌دانستند؛ همان‌گونه که امام سجاد علیه السلام وقتی به مروان گفت: شما که معترفید کسی از عثمان همانند علی علیه السلام دفاع نکرده، پس چرا او را در بالای منابر ناسزا می‌گویید؟ مروان پاسخ داد: «لا یستقیم الأمر إلّا بذلک؛ اساس حکومت ما به این امر بستگی دارد.» (۳۳) از این رو، مورخان و محدثان با توجه به سیاست حاکمان وقت، نسبت به نقل قضیه اهل بیت علیهم السلام در کنار قرآن خودداری کرده‌اند، گرچه موارد متعددی که نقل شده برای اثبات قضیه کفایت می‌کند. گفتنی است: در برخی از مصادر اهل سنت به جای «اهل بیتی» یعنی سفارش به اهل بیت جمله «و سنتی» یعنی توصیه به سنت، ذکر شده است. (۳۴) در این جا توجه به چند نکته ضروری است: ۱. شکی نیست که این تغییر عبارت، متأثر از سیاست غلط حاکمان جور می‌باشد که توان تحمل اهل بیت علیهم السلام را نداشته‌اند و با توجه مردم به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام، موقعیت خود را در خطر می‌دیدند. ۲. توصیه به کتاب و سنت، یعنی جمله «کتاب الله و سنتی» در روایاتی که سند آن از دیدگاه اهل سنت صحیح باشد، وارد نشده است، همان‌گونه که حاکم نیشابوری از علمای بزرگ اهل سنت نیز می‌گوید: «ذکر الاعتصام بالسنة فی هذه الخطبة غریب؛ (۳۵) ذکر تمسک به سنت در این خطبه از عرف روایی بعید است.» برخلاف توصیه به کتاب و اهل بیت علیهم السلام، یعنی «کتاب الله و عترتی» که در صحیح مسلم و موارد متعدد دیگر با سندهای صحیح و غیر قابل انکار وارد شده است. ۳. توصیه به کتاب و سنت، منافاتی با تمسک به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام ندارد؛ زیرا آنان جز سخنان رسول اکرم صلی الله علیه وآله سخن دیگری بیان نمی‌کردند که امام صادق علیه السلام فرمود: «سخنان ما، همان سخنان جدّم امیر مؤمنان علیه السلام و سخنان امیر مؤمنان علیه السلام همان سخنان رسول اکرم صلی الله علیه وآله و گفتار خداوند متعال است.» (۳۶) و مردم را جز به کتاب الهی و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به چیز دیگری راهنمایی نمی‌کردند که خلیفه دوم به ابن عباس گفت: «شایسته‌ترین فردی که مردم را به کتاب الهی و سنت پیامبر و ادار نمایند، علی بن ابی طالب است. به خدا سوگند! اگر علی حکومت را به دست گیرد، مردم را به راه روشن و صراط مستقیم هدایت خواهد کرد.» (۳۷)

#### ۵. انجام وظایف رسالت

رسول اکرم صلی الله علیه وآله در این بخش از خطبه که فرمود: «تسألون عتی فما أنتم قائلون؟؛ نظر شما درباره من چیست؟» سه مطلب اساسی را پایه‌ریزی فرمود: الف) با توجه به «نشهد أنّک قد بلغت وأدیت ونصحت» گواهی مردم که در ابلاغ رسالت و خیرخواهی امت، هیچ‌گونه کوتاهی صورت نپذیرفته است، راه هر گونه بهانه برای گریز از مسؤولیت‌ها را برای همه و همیشه بست.

ب) برای کسانی که در آینده مسؤولیت هدایت جامعه را برعهده می‌گیرند، نشان داد که باید تمام وظایف رهبری و هدایتی خود را به نیکوترین شیوه انجام دهند و در امر ابلاغ و رهنمود ملت، هیچ‌گونه کوتاهی نورزند. ج) قضاوت نیک توده مردم درباره رهبر و هدایت‌گر، نشانه عملکرد ارزشمند اوست، امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه خود به مالک فرمود: «وإنما يستدلّ علی الصالحین بما یجری اللّهُ لهم علی ألسن عباده.» (۳۸)

### سومین خطبه رسول اکرم صلی الله علیه و آله پس از عید قربان (۳۹)

رسول گرامی صلی الله علیه و آله در مسجد خیف واقع در منطقه منی در خطبه‌ای فرمود: «نَصَرَ اللّهُ وَجَهَ عَبْدٍ سَمِعَ مَقَالَتِی فَوْعَاها وَحَفْظُها، ثُمَّ بَلَّغُها مِنْ لَمْ یَسْمَعُها، فَرَبِّ حَامِلِ فِقْهٍ غَیْرِ فِقْهٍ، وَرَبِّ حَامِلِ فِقْهٍ إلی مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ. ثَلَاثٌ لَا یَغْلُ عَلَیْهِمْ قَلْبُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ: إِخْلَاصُ الْعَمَلِ لِلّهِ، وَالنَّصِیْحَةُ لِأَثَمَةِ الْحَقِّ، وَاللِّزُومُ لِجَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِیْنَ، فَإِنْ دَعَوْتَهُمْ مَحِیْطُهُ مِنْ وَرَائِهِمْ ... ثُمَّ قَالَ: لَا تَرْجِعُوا بَعْدَی كَفَّارًا مُضَلِّیْنَ یَمْلِكُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ، إِنِّی قَدْ خَلَفْتُ فِیكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّیْتُمْ بِهِ لَنْ تَضَلُّوا: كِتَابُ اللّهِ وَعِترتی أَهْلُ بَیْتِی. أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ؟ قَالُوا: نَعَمْ! قَالَ: اللّهُمَّ اشْهَدْ. ثُمَّ قَالَ: إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ فلیبَلِّغُ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ؛ (۴۰) فرخنده باد چهره آن که سخن مرا شنید و از او پاسداری کرد و به دیگران منتقل نمود. چه بسا راوی یک حدیث به عمق محتوای آن حدیث آگاهی چندانی ندارد، ولی آن حدیث را به کسانی منتقل می‌کند که دانشمندتر از او هستند. سه چیز است که قلب مؤمن را صفا می‌دهد و از هرگونه خیانت و دغل‌بازی پاک می‌گرداند: خالص کردن عمل برای خدا، نصیحت و خیرخواهی مشفقانه به زمامداران حق، ملازمت و حضور در اجتماع مؤمنان، زیرا وحدت و یک‌ندایی مسلمانان، ضامن حفظ جامعه آنان از دشمن و عامل موفقیت و پیروزی آنان است. (۴۱) آن‌گاه فرمود: پس از من، از دین خارج نشوید که دیگران را به گمراهی کشانده و خود را صاحب اختیار مردم بدانید و خون آنان را به ناحق بریزید. من در میان شما چیزی به یادگار می‌نهم که اگر به آن روی آورید، برای همیشه از گمراهی در امان خواهید بود و آن کتاب خدا و عترت و اهل بیت من می‌باشد. آن‌گاه فرمود: آیا مطلب را به خوبی رساندم؟ پاسخ دادند: آری! فرمود: خدایا! تو شاهد باش. پس از آن فرمود: نسبت به آن چه گفتم مسؤول هستید. و همه آنان که حضور دارند و سخن مرا شنیدند، موظفند به دیگران که حضور ندارند برسانند.»

### نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

#### نکته‌ها و پیام‌های این خطبه

##### ۱. آگاهی‌رسانی گسترده

از نکته‌های حساسی که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در اغلب خطبه‌های حجّه الوداع به آن مصرانه پرداخته است، موضوع آگاهی‌رسانی به عموم مردم است که حضرت می‌کوشید تا رسالت سنگین این سفر و اهداف بزرگ آن را به گوش مردم برساند.

##### ۲. ارزش دادن به برداشت غایبان

جمله «وَرَبِّ حَامِلِ فِقْهٍ إلی مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ» نشان می‌دهد که معنای بلند سخنان معصومان که از وحی سرچشمه می‌گیرد، منحصر به برداشت حاضران نیست؛ بلکه چه بسا افرادی که این سخنان به آنان منتقل می‌شود، برداشت‌های اساسی تری از سخنان معصومان علیهم السلام داشته باشند.

### ۳. حقوق متقابل رهبران جامعه و ملت‌ها

جمله «والنصيحة لأئمة الحق» اشاره به حقوق متقابل امام و مأموم (رهبر و ملت) دارد که حضرت امیرعلیه السلام نیز می‌فرماید: «حقّ الوالی علی الرعیة وحق الرعیة علی الوالی فریضة، فرضها الله سبحانه، لكلّ علی كلّ، فجعلها نظاماً لألفتهم وعزاً لدينهم». (۴۲) حقوق رهبر در برابر ملت و هم‌چنین حقوق ملت در برابر رهبر، یک واجب الهی است که خداوند برای ایجاد الفت و یکپارچگی در نظام حکومتی و سرفرازی جامعه قرار داده است.

### ۴. جایگاه وحدت در تفکر اسلامی

و عبارت: «ولزوم الجماعة» نشان دهنده این است که رمز پیروزی جامعه اسلامی، وحدت مؤمنان در برابر دشمن است، که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه وآله می‌فرماید: مثل المؤمنین فی تواددهم وتعاطفهم وتراحمهم بمنزلة الجسد إذا اشتكى منه شيء تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى؛ (۴۳) همه مسلمانان جهان، اعضای یکدیگرند و به منزله یک جسدند که اگر عضوی از آن به درد آید، دیگر عضوها نیز متأثر خواهند شد. امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: وألزموا السواد الأعظم، فإنّ يد الله علی الجماعة، وإياکم والفرقة، فإنّ الشاذّ من الناس للشيطان، كما أنّ الشاذّ من الغنم للذئب؛ (... ۴۴) ملازم جامعه اسلامی باشید؛ چون دست خدا همواره با جماعت است و از گروه گرای بی‌رهیزید؛ زیرا گروه اندک، طعمه شیطان می‌شود همان گونه که گله اندک، نصیب گرگ می‌شود.

### ۵. نگرانی از آینده امت اسلامی

جمله «لا ترجعوا بعدی کفّاراً مضلّین یملک بعضکم رقاب بعض» اشاره به آینده امت اسلامی دارد که چگونه پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، زحمات بیست و سه ساله آن حضرت را نادیده گرفته، به همان آداب و رسوم دوران جاهلیت بازگشته و به بهانه‌های واهی کشتار مسلمانان را لازم شمردند. این سخن حضرت، خط صریح بطلان بر قتل مانعین زکات است که آنان را مرتد شمرده و حکم به کشتن آنان دادند. و یا زمینه جنگ جمل، صفین و نهروان و ... را فراهم ساختند.

### ۶. پیروی از کتاب و اهل بیت‌علیهم السلام ضامن امنیت جامعه

در بخش پایانی حدیث، پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، اهل بیت‌علیهم السلام را قرین قرآن نمود و ثابت کرد که بیمه شدن جامعه اسلامی از انحراف، منحصر به تبعیت از کتاب و اهل بیت‌علیهم السلام است. و با جدایی مردم از آنان، نه تنها زمینه انحراف جامعه اسلامی فراهم می‌شود، بلکه موجب فرو رفتن آنان در گرداب ضلالت و پیوستن به حزب شیطان خواهد بود. چنان که حضرت در سخنی دیگر نیز فرموده است: النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق واهل بیتی امان لامتی من الاختلاف فإذا خالفتها قبيلة من العرب اختلفوا فصاروا حزب ابليس؛ همان گونه که چینش و گردش ستارگان در فضا برای امنیت کره زمین است، اهل بیت من نیز مایه امنیت مردم از اختلاف می‌باشند و چنان که ملتی با اهل بیت من مخالفت کنند، در واقع به حزب شیطان پیوسته‌اند. حاکم نیشابوری عالم بزرگ اهل سنت، پس از نقل حدیث می‌گوید: این روایت صحیح است. (۴۵) ابن حجر مکی می‌نویسد، از رسول اکرم صلی الله علیه وآله پرسیدند: ما بقاء الناس بعدهم (أی اهل البیت)؟ فقال: بقاء الحمار إذا كسر صلبه. (۴۶) موقعیت مردم پس از روی گردانی از اهل بیت را چگونه می‌بینید؟ فرمود: همانند الاغ کمر شکسته که نه توان راه رفتن دارد و نه قدرت بار بردن. علامه شرف الدین پس از نقل این مطلب از ابن حجر، می‌نویسد: ما از ابن حجر می‌پرسیم: اگر موقعیت اهل بیت‌علیهم السلام این چنین است پس چرا از آنان روی گردان شده‌اید؟ (۴۷)

## چهارمین خطبه رسول اکرم صلی الله علیه وآله در غدیر خم به نقل اهل سنت

روی الطبرانی یاسناده عن حذیفه بن أسید الغفاری قال لَمَّا صدر رسول الله صلی الله علیه وآله من حجة الوداع، نهی أصحابه عن شجرات بالبطحاء متقاربات أن ينزلوا تحتهن، ثم بعث إليهن فقام ما تحتهن من الشوك وعمد إليهن فصلی تحتهن. حلبی در سیره خود از طبرانی [که هر دو از عالمان بزرگ اهل سنت به شمار می‌روند] از حذیفه بن أسید نقل کرده که رسول اکرم صلی الله علیه وآله پس از پایان مناسک حج، [روز چهاردهم ذی حجه به سوی مدینه حرکت کرد و زمانی که به غدیر خم واقع در منطقه رابغ، سه مایلی جحفه که محل چهار راهی مدینه، مکه، مصر و شام بود، رسید] دستور داد که ساقه‌های درختانی را که مزاحم افراد بودند، ببرند و زیر درختان را از خار و خاشاک پاک کنند. و آن‌گاه نماز ظهر را اقامه فرمود و سپس بر فراز منبری که از کوهان شتران فراهم آورده بودند قرار گرفت و این چنین خطبه خواند: یا أيها الناس إني قد نبأني اللطيف الخبير أنه لم يُعمر نبي إلا نصف عمر الذي يليه من قبله، وإني لأظن أني يوشك أن أدعى فأجيب. وإني مسؤول وإنكم مسؤولون فماذا أنتم قائلون؟ قالوا: نشهد أنك قد بلغت وجاهدت ونصحت، فجزاك الله خيراً. ای مردم! خداوند مهربان و دانا مرا آگاه کرد که عمر هر پیامبری به اندازه نصف عمر پیامبر پیش از او است، احساس می‌کنم که بیک اجل در راه است و من به زودی دعوت حق را لبیک خواهم گفت. آن‌گاه فرمود: اگر از شما درباره من پرسند چه پاسخی خواهید داد؟ گفتند: گواهی می‌دهیم که همه کوشش خود را در امر رسالت و خیر خواهی امت، به کار گرفتی و کوتاهی نکردی. أليس تشهدون أن لا إله إلا الله وأن محمداً عبده ورسوله وأن جنته حق، وناره حق وأن الموت حق وأن البعث بعد الموت حق، وأن الساعة آتية لا ريب فيها، وأن الله يبعث من في القبور؟ قالوا: بلى! نشهد بذلك. قال: اللهم أشهد. آیا شما بر یگانگی حق و بندگی و رسالت محمد صلی الله علیه وآله و حق بودن بهشت، دوزخ، قیامت و برانگیختن مردگان از گورها برای حساب، گواهی نمی‌دهید؟ گفتند: بر تمام این سخنان گواهی می‌دهیم. حضرت فرمود: خدایا! تو بر این امر گواه باش. سپس فرمود: أيها الناس إن الله مولای وأنا مولی المؤمنین، وأنا أولى بهم من أنفسهم، فمن كنت مولاه فهذا مولاه، یعنی علیاً، اللهم وال من والاه، وعاد من عاداه؛ ای مردم! خداوند مولا و صاحب اختیار من و من نیز مولای مؤمنانم و نسبت به آنان از خودشان سزاوارترم. پس هر کس که من مولای اویم این علی مولای اوست. خدایا! دوست بدار هر کس که علی را دوست بدارد و دشمن بدار هر کس که او را دشمن بدارد. یا أيها الناس، إني فرطكم وإنكم واردون علی الحوض، حوضٌ أعرض ما بين بصرى وصنعاء، فيه عدد النجوم قدحان (۴۸) من فضة. وإني سائلكم حين تردون علی عن الثقلين، فانظروا كيف تخلفوني فيهما، الثقل الأكبر: كتاب الله عز وجل سبب طرفه بيد الله وطرفه بأيديكم فاستمسكوا به لا تضلوا ولا تبدلوا، وعترتي، أهل بيتي؛ فإنه نبأني اللطيف الخبير أنهما لن ينقضيا حتى يردا علی الحوض. (۴۹) ای مردم! فردای قیامت پیشاپیش شما حرکت خواهم کرد و همه شما بر حوض کوثر که پهنای آن همانند فاصله میان شهر بصرای دمشق تا صنعای یمن است، وارد خواهید شد و در آن حوض به تعداد ستارگان آسمان، لیوان های نقره‌ای است. و در آن هنگام که به نزد من می‌آیید، از شما در باره دو یادگار گران‌بهای خود می‌پرسم که چگونه با آنها معامله کرده‌اید؟ یکی از آن دو یادگار ارزشمند، قرآن، کتاب الهی است که رابطه میان خداوند بزرگ و شماسست، به رهنمودهای آن عمل کنید تا گمراه نشوید و هویت اسلامی خود را از دست ندهید. و دیگری، عترت و اهل بیت من است که خداوند مهربان و دانا مرا آگاه ساخت که کتاب خدا و اهل بیت من، تا روز واپسین از همدیگر جدا نمی‌شوند و در کنار حوض به من خواهند پیوست.

**شگفتی‌های همایش عمومی غدیر**

**شگفتی‌های همایش عمومی غدیر**

این همایش بزرگ و بی سابقه غدیر خم از جهات متعدد، قابل تأمل، شگفت‌انگیز و منحصر به فرد است:

### زمان همایش

آخرین سال، بلکه آخرین ماه‌های زندگی سراسر حماسه و افتخار پیامبر صلی الله علیه و آله و آخرین روزهای واپسین سفر حضرت (حَجَّهٔ الوداع) است، گرماگرم ظهر روز هیجدهم ذی حجه سال دهم هجری، زمانی که توقف کاروانیان و گرد آمدن همگان در زیر تابش خورشید سوزان، حساسیت و کنجکاوی همه آنان را برانگیخته است.

### مکان همایش

صحرائی گسترده و خشک، مقطع حساس از جغرافیای جزیرهٔ العرب، بر سر راه‌های مختلفی که قافله‌های حج گزاران بلاد مختلف را از یک‌دیگر جدا می‌سازد.

### شرکت کنندگان در همایش

شرکت کنندگان در این همایش را بین ۹۰ تا ۱۲۴ هزار نفر از تمام طوایف و همه شهرهای تحت پوشش حکومت اسلامی تخمین زده‌اند. آنچه به اهمیت این همایش ارزش ویژه بخشیده است، دعوت رسمی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله از همه قبیله‌ها و طائفه‌ها، از مهاجران و انصار و اهل بیت و همسران حضرت، و ... در این مراسم است، تا حساس‌ترین سخنان حضرت را در آخرین لحظات زندگی گوش فرا دهند و زیباترین حماسه دوران پایانی رسالت را ببینند، راه هر گونه عذر و بهانه بسته شود و حجت بر آنان و آیندگان تمام شود.

### وضعیت روحی پیامبر صلی الله علیه و آله

هراسی بی سابقه سراپای وجود نازنین پیامبر صلی الله علیه و آله را فرا گرفته بود، نه برای مصلحت شخصی و یا خطر جانی، بلکه برای مصالح جامعه اسلامی و خطر اساسی در بنیاد رهبری حکومت نوپای اسلام و اندیشه از توطئه‌های منافقانی است که از تهمت زدن به او و ضربه زدن به باورهای نه چندان عمیق مردم، کوچک‌ترین ابایی ندارند (۵۰). همان گونه که ابن عباس و جابر نقل کرده‌اند: **أمر الله تعالى محمداً صلى الله عليه وآله أن ينصب علياً للناس، فيخبرهم بولايته، فتخوف النبي صلى الله عليه وآله أن يقولوا: حابي ابن عمه، وأن يطعنوا في ذلك فأوحى الله: «يا أيها الرسول بلغ ما أنزل إليك...»** خداوند به رسول اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد که علی را به جانشینی برگزین و ولایت او را به همه ابلاغ کن؛ ولی آن حضرت از آنان که هنوز ایمان در جان و روح آنان نفوذ نکرده و هوای ریاست از سر آنان خارج نشده، وحشت داشت که مبادا به وی طعنه زنند که گزینش علی به جانشینی، بر مبنای روابط بوده، نه ضوابط، و به خاطر فامیلی بود نه شایستگی. از همین رو بود که پیک وحی، وعده خداوندی را ابلاغ فرمود: **«وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»** (۵۱) خداوند تو را از شر مردم در امان می‌دارد.

### اهمیت پیام

برای کسی که به عنوان آخرین پیامبر الهی، کامل‌ترین جامعه توحیدی را پی‌ریزی کرده و اینک در رأس استثنایی‌ترین حکومت، بر پایه وحی، قرار دارد و نیز آخرین لحظات زندگی خویش را می‌گذرانند، مهم‌ترین پیام خود را در تعیین جانشین و روشن ساختن وضعیت آینده آنان بیان می‌کند. اهمیت این پیام به اندازه‌ای است که می‌تواند با تمام پیام‌های دوران رسالت پیغمبر صلی الله علیه

وآله برابری کند. و آن چنان است که اگر ابلاغ نشود، گویا رسالت الهی ابلاغ نشده است. (۵۲)

### نکته‌ها و پیام‌های خطبه غدیر

۱. گرد آوری تمام حاجیان برای این بود که همه آنان سخنان حضرت را بشنوند و حجت بر آنان تمام شود و نیز، هیچ‌گونه بهانه و راه‌گریزی نداشته باشند. ۲. با جمله «وَأِنِّي لِأَظُنُّ أَنِّي يَوْشِكُ أَنْ أَدْعِيَ فَأَجِيبُ» حضرت به دو نکته مهم پرداخت: نخست این که روزهای پایانی عمر شریف خود را می‌گذراند و دیگر این که این سخنان من از اهمیت شایانی برخوردار است. گفتنی است که انسان‌ها سفارش‌های خویش را در آخر عمر می‌نویسند و مطالب حساس را در لحظه‌های پایانی عمر، بیان می‌کنند. ۳. با عبارت «وَأِنِّي مَسْئُولٌ» ثابت کرد سخنانی که گفته می‌شود، عادی نیست؛ بلکه لازم و ضروری بوده و در برابر گفته‌های خود مسئول است. ۴. با جمله «وَأِنِّكُمْ مَسْئُولُونَ» اعلام کرد که شما نیز در برابر این گفته‌ها مسئولید و در صورت کوتاهی، بازخواست خواهید شد. ۵. پس از گرفتن اعتراف از مردم «نشهد أنک قد بلغت وجاهدت» و گواهی دادن آنان مبنی بر حسن انجام رسالت، حجت را بر همگان تمام کرد و راه هرگونه عذر را بر روی همه بست. ۶. هم چنین از مردم در باره توحید، رسالت و معاد گواهی گرفت و آنان اعتراف کردند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله بر مردمان از خودشان سزاوارتر است: «النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ» (۵۳). ۷. به دنبال اعلام ولایت حضرت علی علیه السلام ثابت فرمود که ولایت علی علیه السلام همسان توحید و معاد است و امامت او، استمرار رسالت رسول گرامی صلی الله علیه و آله و ولایت علی علیه السلام بر مردم همانند ولایت خود آن حضرت صلی الله علیه و آله بر ایشان است. ۸. با دعا بر کسانی که به یاری علی علیه السلام برخیزند و نفرین بر آنان که با وی دشمنی کنند، از سویی ثابت کرد که وظیفه ملت، پیروی بی چون و چرا از دستورهای علی علیه السلام است و کسی نباید با هیچ بهانه‌ای به مخالفت برخیزد. ۹. هم چنین به برنامه کسانی که پس از حضرت به بهانه‌های واهی، علم مخالفت با حضرت را برافراشته، جنگ‌های جمل، صفین و نهروان و... راه انداختند و خون هزاران مسلمان بی گناه را بر زمین ریختند؛ خط بطلان کشید. ۱۰. از سوی دیگر اعلام کرد که یک رهبر نمونه، هر چند هم در کارهای حکومتی توانمند باشد، اگر محبوبیت مردمی نداشته باشد، پیروز عرصه سیاسی نخواهد بود و با این دعا و نفرین، زمینه محبوبیت علی علیه السلام را در قلوب مردم فراهم ساخت. ۱۱. اشاره حضرت به قضیه حوض، داستان بلندی دارد که با توجه به روایات بسیاری، از ورود تعداد زیادی از صحابه حضرت به حوض جلوگیری می‌شود با این که حضرت به دفاع از آنان برخاسته و می‌فرماید: اینها اصحاب من هستند، اینها را کجا می‌برید؟ پاسخ می‌آید: «إِلَى النَّارِ وَاللَّهِ!» همه آنان را به سوی آتش دوزخ روانه می‌کنیم. حضرت می‌فرماید: «ما شأنهم؟» مگر آنان چه کرده‌اند که در خور آتش دوزخ شده‌اند؟ پاسخ می‌دهند: «إِنَّهُمْ ارْتَدَوْا بَعْدَكَ عَلَيَّ أَدْبَارَهُمُ الْقَهْقَرَى، فَلَا أَرَاهُ يَخْلُصُ مِنْهُمْ إِلَّا مِثْلَ هَمَلِ النَّعَمِ.» (۵۴) این‌ها پس از تو، از مسیر اصلی دینداری خارج شدند و به همان آداب و رسوم دوران پیش از اسلام برگشتند. ۱۲. سر انجام حضرت با تأکید فراوان در باره قضیه ثقلین و قرین بودن اهل بیت با قرآن، موارد زیر را ثابت کرد: الف. عصمت اهل بیت علیهم السلام. ب. هم دوشی آنان در جامعه اسلامی با قرآن. ج. حضور جاودانه آنان در جامعه، همانند جاودانگی قرآن. د. ایمن بودن امت اسلامی از گمراهی در سایه بهره‌گیری از قرآن و اهل بیت علیهم السلام. ه. مسئولیت سنگین مردم در برابر قرآن و اهل بیت علیهم السلام.

### وظیفه ما در برابر غدیر

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر، پس از بیان سخنان حساس و ضروری و گزینش علی علیه السلام برای جانشینی خود، فرمود: «فَلْيَبْلُغِ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ»؛ آنان که حضور دارند، موظفند سخن مرا به گوش آنان که نیستند، برسانند. این سخن نشان می‌دهد که ولایت علی علیه السلام اهمیت ویژه‌ای دارد و پیام غدیر فراتر از این است که تنها افرادی را دربرگیرد که در آن

همایش بی نظیر (غدیر) شرکت داشته‌اند، بلکه این پیام باید مرز زمان را درنوردد و از انحصار مکان به درآید و در تمام عصرها برای همه نسل‌ها، طنین‌انداز شود و حتی جامعه‌های کوچک انسانی را که در گوشه و کنار جهان تشکیل می‌یابند، فرا گیرد. از همین روست که وقتی حضرت سلیمان علیه السلام سخن از رسول اکرم، خاتم پیامبران صلی الله علیه و آله به میان می‌آورد، می‌فرماید که حاضران سخن مرا به گوش غایبان برسانند؛ همان گونه که ثعلبی در تفسیر آیه شریفه «فقال مالی لا اری الهدهد» نقل کرده که حضرت سلیمان پس از پایان دادن به بنای بیت المقدس، همراه هیئت دولت و یاران خویش در کنار کعبه حضور یافت و طی سخنرانی در جمع اشراف و بزرگان گفت: *إن هذا مکان یخرج منه نبی عربی، صفته کذا و کذا ... فطوبی لمن أدرکه و آمن به و صدقه؛ در این پایگاه مقدس، پیامبر عرب زبانی با ویژگی‌هایی برانگیخته خواهد شد، خوشا به حال آنان که او را درک کرده و به او ایمان بیاورند. آن‌گاه در ادامه افزود ...: فلیبلغ الشاهد منکم الغائب، فإنه سید الأنبیاء و خاتم الرسل، وإن اسمه لمثبت فی زبر الأنبیاء؛ (۵۵) این سخن مرا حاضران به غایبان برسانند، او سید و آقای پیامبران است و با بعثت او پرونده نبوت، پایان می‌پذیرد و نام او در کتاب آسمانی همه پیامبران آمده است. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ماجرای فتح مکه، سخن از اطلاع رسانی مردم حاضر در صحنه، در خصوص غیر حاضران تأکید می‌کند؛ که به نقل امام صادق علیه السلام رسول گرامی صلی الله علیه و آله روز یازدهم ذی حجه در سخنرانی خود در مسجد خیف - پس از بیان سخنان حساس و ضروری نسبت به حقوق متقابل رهبران جامعه و ملت‌ها و جایگاه وحدت در تفکر اسلامی - فرمود: *یا أيها الناس لیبلغ الشاهد الغائب، فرب حامل فقه لیس بفقیه، ورب حامل فقه إلی من هو أفق منه. (۵۶) حاضران سخن مرا به گوش غایبان برسانند، چه بسا شنونده یک حکم فقهی، دانشمندتر از گوینده آن باشد. یعقوبی عالم بزرگ اهل سنت، نقل می‌کند که حضرت فرمود: *نصر الله وجه عبد سمع مقاتلی فوعاها و حفظها ثم بلغها من لم یسمعها. (۵۷) فرخنده باد چهره آن کس که سخن مرا شنید و از آن پاسداری کرد و به دیگران منتقل نمود. چه بسا شنونده یک سخن بیش از گوینده آن، به ژرفای محتوای آن آگاه باشد. همانند این قضیه از زبان سلمان فارسی نقل شده که می‌گوید: روزی قریش در باره خاندان رسول اکرم صلی الله علیه و آله بدگویی کردند و این سخن به گوش رسول گرامی صلی الله علیه و آله رسید و قلب نازنینش اندوهگین شد و حضرت خشمگین، به غضب آمده و بر فراز منبر رفت و پس به جای آوردن ثنای الهی فرمود: *ألا- ونحن بنو عبد المطلب سادة أهل الجنة ... ألا- وإن الله نظر إلى أهل الأرض نظرة فاختار منها رجلین: أحدهما أنا فبعثنی رسولاً والآخر علی بن ابی طالب، وأوحی إلی أن أتخذہ أخاً و خلیلاً و وزیراً و وصیاً و خلیفه، ألا وإنه ولی کل مؤمن بعدی، من والاه والاه الله، ومن عاداه عاداه الله، لا یحبه إلا مؤمن، ولا یبغضه إلا کافر ... ألا وإن الله نظر نظرة ثانية فاختار بعدنا اثنی عشر وصیاً من أهل بیتی، فجعلهم خیار امتی واحداً بعد واحد مثل النجوم فی السماء، کما غاب نجم طلع نجم، هم أئمة، هداة، مهتدون، لا یضرمهم کید من کادهم ولا خذلان من خذلهم، هم حجج الله فی أرضه، و شهداؤه علی خلقه، خزان علمه و تراجمه و حیه، و معادن حکمته، من أطاعهم أطاع الله، و من عصاهم عصی الله، هم مع القرآن و القرآن معهم، لا یفارقونه حتی یردوا علی الحوض؛ ما نسل عبدالمطلب از سادات و بزرگان اهل بهشت هستیم، خداوند به اهل زمین نظری افکند و دو نفر را برگزید، یکی من که به پیامبری برگزیده شدم و دیگری علی بن ابی طالب؛ به من وحی فرمود که علی را برادر، دوست، وزیر و جانشین خویش قرار دهم. همانا او پس از من، ولی و سرپرست همه مؤمنان است. هر کس علی را دوست بدارد، خدا او را دوست می‌دارد و هر کس با علی دشمنی ورزد، خدا او را دشمن می‌دارد، محبت او نشانه ایمان و کینه او، علامت کفر است ... خداوند مرتبه دیگر به زمین نظر افکند و از اهل بیت من دوازده جانشین قرار داد و آنان بهترین امت منند، آنان یکی پس از دیگری امامت را بر عهده خواهند گرفت همانند ستارگان آسمان که هرگاه ستاره‌ای ناپیدا شود، ستاره دیگری آشکار خواهد شد. آنان پیشوایان هدایت شده و هدایتگر امت اسلامی اند. کوشش توطئه‌گران به آنان زیان نمی‌رساند و تلاش مذبحخانه فرومایگان، آنان را شکست نخواهد داد ... پیروی آنان همسان اطاعت از خداوند است و سرپیچی از دستور آنان مانند سرکشی از دستور خداوند است. آنان همواره دوشادوش قرآن****

هستند و این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض کوثر بر من حاضر شوند. در پایان حضرت فرمود: «فلیبلغ الشاهد الغائب، اللهم اشهد، اللهم اشهد، ثلاث مرّات»؛ (۵۸) این سخن مرا حاضران به غایبان برسانند، آن گاه سه بار فرمود: خدایا! تو گواه باش که من حق مطلب را ادا کردم. و مانند این داستان از زبان امام کاظم علیه السلام نقل شده که فرمود: رسول گرامی صلی الله علیه وآله مهاجران را گرد آورد و به آنان فرمود: «أيتها الناس إنّي قد دُعيت، وإنی مجیب دعوة الداعی، قد اشتقت إلى لقاء ربّي واللحوق بإخوانی من الأنبياء وإنّي أعلمکم أنّی قد أوصیت إلى وصیّی، ولم أهملکم إهمال البهائم، ولم أترك من أمورکم شیئاً... أيتها الناس اسمعوا وصیّتی، من آمن بی وصدقنی بالنبوة وأنی رسول الله فأوصیه بولایة علی بن أبی طالب وطاعته و التصدیق له، فإن ولایته ولایتی، وولایة ربی، قد أبلغتکم فلیبلغ الشاهد الغائب... إلى أن قال: فهل سمعتم؟ قالوا: نعم!» (۵۹) ای مردم! در آینده نه چندان دور دعوت حق را لیبیک گفته و با علاقه فراوان به ملاقات پروردگار و دیدار پیامبران خواهم شتافت. من در باره تعیین جانشین پس از خود، کوتاهی نورزیدم و سهل انگاری نکردم... ای مردم! توصیه‌های مرا به گوش جان بسپارید، هر کس که به من ایمان آورده و نبوت مرا پذیرفته، باید ولایت علی بن ابی طالب را بپذیرد و از او پیروی کرده و گفته‌هایش را بپذیرد؛ زیرا ولایت او مانند ولایت من و ولایت پروردگار متعال است. مردم! من مطلب را به شما ابلاغ کردم و وظیفه حاضران است که به گوش غایبان نیز برسانند. در پایان فرمود: آیا سخن مرا به دقت شنیدید؟ همگی پاسخ دادند: آری! با توجه به همین اطلاع رسانی در جهت اتمام حجت به همه حاضران و غایبان و نیز بستن راه هر گونه عذر و فرار از مسؤولیت‌ها است که حضرت امیر علیه السلام به سخن رسول اکرم صلی الله علیه وآله اشاره نموده و به هنگام رفتن به سوی جنگ صفین، ضمن بیان خطبه‌ای به واقعه غدیر اشاره کرده و می‌فرماید: «أما تعلمون أن بیعتی تلزم الشاهد عنکم والغائب؟» آیا نمی‌دانید که بیعت من بر همه حاضران و نیز غایبان در غدیر، لازم گشته است؟ جالب این جاست که امام باقر علیه السلام ضمن اشاره به نشانه‌های ظهور حضرت ولی عصر - ارواحنا فداء - می‌فرماید: آن حضرت پس از ظهور، به کعبه تکیه کرده و می‌فرماید: «فأنا بقیة من آدم، وذخیره من نوح و مصطفی من إبراهیم و صفوة من محمد صلی الله علیه وآله - ألا - فمن حاجنی فی کتاب الله فأنا أولى الناس بکتاب الله، ألا فمن حاجنی فی سنّة رسول الله صلی الله علیه وآله فأنا أولى الناس بسنّة رسول الله فأنشُد الله من سمع کلامی الیوم، لَمَا بلغ الشاهد منکم الغائب» (۶۰). من یادگار حضرت آدم و ذخیره حضرت نوح و گزیده حضرت ابراهیم و چکیده‌ای از محمد صلی الله علیه وآله هستم، کدامین شخص در فهم کتاب خدا با من دشمنی می‌ورزد و حال آن که من آگاه‌ترین افراد به کتاب خدا هستم و چه کسی در بیان سنت پیامبر صلی الله علیه وآله با من ستیز می‌کند که من آشناترین فرد به سنت پیامبر هستم. همه کسانی را که امروز در این جمع سخن مرا شنیدند، به خدا سوگند می‌دهم که این سخنان را به گوش آنان که غایبند برسانند. و این است رمز جاودانگی غدیر، که تا زمان جاری است وظیفه سنگین رساندن پیام ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام بر دوش ماست، تا خبر این انتخاب الهی را به گوش آیندگان برسانیم و خود از پیروان راستین پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و علی بن ابی طالب علیه السلام و فرزندان پاک آنان باشیم و نسلی این گونه پیروانیم.

## مقاله حجت الاسلام و المسلمین فاضل هرندی

### مقاله حجت الاسلام و المسلمین فاضل هرندی

### حضرت مسیح در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام

انسان‌ها برای رسیدن به فضایل و عروج به کمالات هستی، احتیاج به الگو و نماد دارند. از این رو در اینجا سخن از الگوهاست، زیرا انسان هیچ‌گاه به دنبال نماد سازی نبوده بلکه در پی نماد یابی است. ابتدا از نمادی محسوس شروع می‌نماید، فرد و جامعه، در زمان او حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم را دیده بود و از فضایل و کمالاتش بی اطلاع نبوده... سخن را از او آغاز می‌نماید و



خطاب به انسان‌ها می‌گوید: «برای تو در زندگی حضرت محمدصلی الله علیه وآله وسلم رمز‌های زیادی وجود دارد که تنها درک آنان برای عشق به فضیلت و خوبی‌ها کافی است. او در دنیا زیست اما هیچ‌گاه اسیر دنیا نگردد، او از دنیا و تمام جاذبه‌هایش دوری می‌نمود و اگر در اسارت دنیا و لذت‌هایش سودی بود بهره‌ای از دنیا نمی‌برد. او از کودکی آن زمان که همه اسیر زرق و برق‌های دنیا هستند از دنیا برید و غرق در فضایل و کمالات گردید و بدین شیوه در تمام زندگی‌اش عمل نمود، خداوند نیز برای بندگان مقربش چنین تقدیر نموده بود که در بند دنیا گرفتار نشوند و دنیا با تمام فریبندگی‌هایش ارزانی غیر باد، دوست برای آن‌ها و دنیا با تمام فریب‌هایش برای دیگران و تو ای انسان آیا می‌توانی الگویی برتر از پیامبر پیدا نمایی؟! او دامنه سخن را گسترش می‌دهد و به جایی دست می‌نهد که از حیطه فکر انسان خارج است. ای سخن‌گوی بزرگ تو از کدام دیار آمده‌ای؟! که این چنین از گذشته‌های دور تاریخ و از جوامع بشری سخن می‌گویی، تو به چه دوره‌ای تعلق داری که در خاطره ات داستان رنج و عذاب، امید و یأس، خوبی‌ها و بدی‌ها، آبادی و خرابی جهان، جمع شده است. تو در کجا زندگی کرده‌ای، جایی که خارج از زمان و مکان بوده، که این چنین بشریت را در خط سیر تاریخی‌اش تعقیب کرده و بدین وضوح از تاریخش سخن می‌گویی، تو در مکه به دنیا آمده‌ای و خانه دومت در مدینه بود و سپس مقدراتت به کوفه و بصره سوق داده و در مسجد کوفه به ابدیت پیوستی و در خاک نجف مزار مقدست برپاست. ولی آن‌جا که از پیامبران خدا سخن می‌گویی، گویی که با آن‌ها زندگی کرده‌ای و چهره‌ای را که از آنان ترسیم می‌نمایی حتی نزدیک‌ترین اصحاب و حواریون شان نمی‌توانند ترسیم کنند. ما می‌دانیم که در حجاز اثری از پیامبران گذشته نبود. داوود، موسی و عیسی حتی در اساطیر شان وجود نداشتند. اما تو ای مرد بزرگ تاریخ! از همه آنان سخن گفتی و چه زیبا چهره‌ای از آنان ترسیم نمودی ... چهره‌ای شایسته پیامبران بزرگ در حیاتی هدفمند، چهره‌ای باقی و انباشته از درد و رنج و امید، چهره‌هایی که هدفشان تغییر واقعیت‌های اجتماعی و سوق انسان‌ها به سوی مدینه فاضله خدا بود. مدینه‌ای که همه پیامبران در انتظار تشکیل آن روزشماری می‌نمودند؛ از آدم گرفته تا نوح، سپس موسی و عیسی و محمدعلیهم السلام و آن‌گاه تو و فرزندان برومندت شاهدان و شهیدان تاریخ در این مسیر قرار گرفتید و با تمام توان خداوند گونه‌ات سعی کردی به آرمان آن انسان‌های بزرگ جامه عمل پوشانی و عاقبت این پیروزی بزرگ به دست حضرت مسیح و فرزند برومندت مهدی علیه السلام که او نیز از نسل دو پیامبر بزرگ خدا، از نسل محمد (ص) و سلاله حضرت مسیح می‌باشد و در وجود بزرگ او دو دین بزرگ الهی تجدد یافته، تحقق خواهد یافت. تو ای انسان پیامبر گونه ... در آن زمان که می‌خواستی از رسول خدا سخن بگویی، سخنی که انسان‌های زمانت از درک آن عاجز بودند، برای نزدیکی تصویرش به ذهن از زندگانی حضرت موسی مدد جستی ... و درباره حضرت موسی فرمودی ...: «و ان شئت ثنیت بموسی کلیم الله حیث یقول: «رَبِّ اِنِّی لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَیَّ مِنْ خَیْرِ فَقیِّرٍ» (۶۱). واللّٰه، ماسأله ألا خیزا یا کله، لانه کان بأکل بقله الأرض، ولقد کانت خضره البقل تری من شفیف صفاق بطئه، لهزاله تشدب لحمه»؛ ...»

... و اگر بخواهی برای تو از زندگانی حضرت موسی سخن می‌گویم: که او نیز شاهد مدعای من است، آن‌گاه که عرض کرد: خداوند! بنده ات بر آن خبری که برایش فرستاده‌ای نیازمند است. او از خدا جز قطعه نانی برای ادامه حیات چیزی طلب نکرده بود، زیرا آن حضرت به گیاهانی که از خاک زمین می‌رویدند بسنده می‌کرد، تا آن‌جا که رنگ سبز آنان به سبب نازکی و لطافت بدنش، از زیر پوستش قابل رؤیت بود ... سپس برای تقرب مطلب به ذهن شنونده از داود، دیگر پیامبر خدا استمداد نمود و گفت: ...» و ان شئت ثلث بدادود صاحب المزامیر وقاری اهل الجنة فلقد کان یعمل سفائف الخوص بیده و یقول لجلسائه ایکم یکفینی بیعها و یأکل قرص الشعیر من ثمنها». ... ای سخن‌گوی بزرگ! تو از کجا می‌دانستی که شگفتی بزرگ داوود مزامیر بود، مگر تو با داوود زندگی کردی؟ و آن‌گاه در اوج شگفتی از دنیای مادی برون شده و به سوی بهشت خدا پرواز می‌نمایی و با قاطعیت تمام قاطعیتی پیامبر گونه از خصوصیت بزرگ او در آن‌جا سخن می‌گویی و او را قاری بهشتیان می‌دانی ... شگفتا فاصله بین لاهوت و ناسوت در سخنان تو تنها یک قدم است، تو از اعماق تاریخ، ناگهان به بهشت خدا عروج می‌نمایی و از بهشت سخن می‌گویی ...

ای علی، از داود سخن بگو که تنها سخن حق را می‌توان از زبان حق گونه‌ات شنید. «ای شنونده، اگر بخواهی برای تو از داود سخن می‌گویم: او با دست خود از سقف و برگ‌های درخت خرما زنبیل می‌بافت و سپس از یارانش می‌خواست که آن‌ها را به فروش برسانند و از درآمد آن تنها برای ادامه زندگی نان جوین می‌خرید و تناول می‌کرد. او پادشاه، سرور و پیامبر بنی اسرائیل بود و با این که همه چیز در دسترس او قرار داشت، ولی مانند سایر پیامبران خدا تحت تأثیر لذت‌های زندگی قرار نمی‌گرفته و در اوج بی‌نیازی به کمترین ها قناعت می‌نمودند و در شدت حاجت در قله استغنا قرار داشتند.» سپس تو ای انسان بزرگ سخن را به عیسی پیامبر بزرگ خدا کشاندی و چهره‌ای از او تصویر نمودی که حتی حواریون نتوانستند به این زیبایی ترسیم کنند، مگر تو همنشین عیسی بودی و در سفر و حضر در کنارش قرار داشتی؟ از کجا می‌دانستی که او شب و روز، و خواب و خوراکش را چگونه می‌گذراند؟ ای یار! راز کلامت و ابدیت سخنانت، پرده‌های پندار انسان‌ها را می‌درد و در اعماق گذشته و آینده نفوذ می‌نماید و از اوج مجردات ناظر همه چیز می‌باشد. تو از عیسی مسیح این گونه سخن گفتی ...: «و ان شئت قلت فی عیسی بن مریم علیه السلام فلقد کان یتوسد الحجر و یلبس الخشن و يأکل الجشب و کان ادامه الجوع و سراجہ باللیل القمر و ظلالة فی الشتاء مشارق الارض و مغاربها، فاکهتہ و ریحانہ ماتنت الارض للبهائم و لم تکن له زوجة تفتنه و لا ولد یحزنه و لا مال یلفته و لا طمع یدله، دابته رجلاه و خادمه یداه» (... ۶۲) شگفتا اکنون که نوبت به عیسی رسید سخن به درازا کشید تو از عیسی علیه السلام مانند پیامبران گذشته به اجمال سخن نگفتی، تفصیل تو چه زیبا و اسرارآمیز هم چون عیسی زیبا و اسرارآمیز است، تصویری که از او ترسیم کردی زیباتر از تصویر را نائیل ... بود آنها تصویر او را در کلیساها ترسیم نمودند و تو از او تصویری در تاریخ باقی گذاشتی که همگان را به حیرت و اعجاب افکنده است ... «و اگر ای شنونده بخواهی با تو از عیسی سخن می‌گویم: او در شبانگاه و آن زمانی که از عبادت مادی به عبادت معنوی پناه می‌برد و سر بر روی سنگ می‌گذاشت و دیده می‌بست تا در سکوت شب و قطع رابطه با همه چیز با خدای خود به راز و نیاز پردازد، لباس‌های او برخلاف لباس دیگران از تارهای خشن بافته شده بود و از غذاهای لذیذ استفاده نمی‌نمود و تنها خورشت او گرسنگی اش بود، چون اگر گرسنگی نبود آن غذاها غیر قابل خوردن بود. چراغ او در شب، ماه بود و پناهگاهش در زمستان، شرق و غرب زمین بود. میوه‌اش سبزی ای بود که در دل خاک می‌روید، او همانند بقیه مخلوقات خدا از رویدنی‌های زمین استفاده می‌نمود. او همسری نداشت که دل در گرو او بسپارد و فرزندان نداشت که اندوهگین سازند، او مالی نداشت که وی را مشغولش دارد و به هیچ چیز دل نمی‌بست و طمع نمی‌نمود که به ذلت کشیده شود. تنها مرکب سواری او پاهایش بودند و تنها خدمتکار او دستانش ... ای علی بزرگ نمی‌دانم آیا چهره‌ای که ترسیم کردی چهره مسیح بود یا چهره خداگونه تو، آیا مسیح در وجود تو حیات دوباره یافته بود؟ مگر تو بستری جز خاک داشتی؟ آشنایی تو با خاک به آن جا کشید که پسر عمویت پیامبر خدا، پدر و دوست خاک خواند. در شب‌های تار تو، شمعی جز ماه وجود نداشت و در آن زمان که اشک‌های تو بر گونه‌ات می‌غلطید و صدای گریه‌ات در صحرای حجاز و عراق می‌پیچید شنونده ای جز ریگ روان وجود نداشت. خوراک تو چه بود؟ قطعه نان خشکی که هیچ کس جز تو نمی‌توانست آن را تناول کند، تو طعم خشک نان را تنها با نمکی میشکستی. پیراهنت چه بود؟ بافته ای خشن که حتی بردگان از پوشیدنش سر باز می‌زدند، آیا مرکبی جز پاهایت در غیر میدان جنگ داشتی؟ کمیل تو و دعا‌های صبح گاهانت، زمزمه‌های عیسی را به یاد صالحین و پاکان می‌انداخت. تو شهید انسانیت شدی همان گونه که یهودیان از هر گونه شکنجه و آزار در باره عیسی علیه السلام شهید زنده، دریغ نکردند. پس اگر چهره عیسی را در تو متجلی ببینیم راه دوری نرفته ایم و تو اگر چهره حقیقی عیسی علیه السلام را به تصویر بکشی کاری در خور خود انجام داده‌ای، زیرا هیچ کس جز مسیح اسلام قدرت ترسیم چهره عیسی مسیح علیه السلام را ندارد ... حجت الاسلام والمسلمین فاضل هرندی

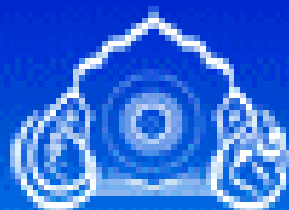
(۱) سوره مائده / آیه ۵۵ (۲) سوره مائده / آیه ۶۷ (۳) صوت العدالة الإنسانية ج ۱ ص ۴۹ (۴) شرح نهج البلاغه: ج ۱۲ ص ۸۶ (۵) علی و حقوق بشر: ج ۱ ص ۳۶ (۶) علی و حقوق بشر: ج ۱ ص ۵۳ (۷) سوره رعد / آیه ۷ (۸) الدر المنثور: ج ۴ ص ۴۵ (۹) مستدرک: ج ۱ ص ۳۸۶؛ الدر المنثور: ج ۴ ص ۴۵؛ تفسیر طبری: ج ۱۳ ص ۱۴۲ (۱۰) روح المعانی: ج ۱ ص ۲۲۰ (۱۱) وقد یقال: خرج معه تسعون ألفاً. ویقال: مائة ألف وأربعة عشر ألفاً. وقیل: مائة ألف وعشرون ألفاً. وقیل: مائة ألف وأربعة وعشرون ألفاً. ویقال: أكثر من ذلك، وهذه عدّة من خرج معه وأمّیا الذين حجّوا معه فأكثر من ذلك، كالمقیمین بمكّة والّذین أتوا من الیمن مع علیّ أميرالمؤمنین وأبی موسی. (الغدیر: ج ۱ ص ۹، به نقل از: سیره حلبیه: ج ۳ ص ۲۸۳، و ج ۲ ص ۲۵۷). و نیز سیره احمد زینی دحلان: ج ۳ ص ۳، و ج ۲ ص ۱۴۳۱. و نیز دائرة المعارف فرید وجدی: ج ۳ ص ۵۴۲ (۱۲) دلائل الإمامة طبری: ص ۱۲۲؛ موسوعة أحداث أهل البيت: ج ۸ ص ۴۴۵ (۱۳) خصال شیخ صدوق: ص ۱۷۳ ح ۲۲۸؛ بحار الأنوار: ج ۳۰ ص ۱۲۴ (۱۴) أسنی المطالب فی مناقب علی بن أبی طالب، ابن جزری: ص ۳۳ ح ۵؛ الغدیر: ج ۱ ص ۱۹۷ به نقل از ضوء اللامع، سخاوی: ج ۹ ص ۲۵۶ ش ۸۰۶ و بدر الطالع، شوکانی: ج ۲ ص ۲۹۷ ش ۵۱۳ (۱۵) تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲ ص ۳۹۲؛ ریاض النضره: ج ۳ ص ۱۳۸؛ ذخائر العقبی: ص ۷۱؛ مناقب خوارزمی: ص ۴۲ و ۸۵ (۱۶) طبقات الکبری، ابن سعد: ج ۱ ص ۳۷؛ تاریخ طبری: ج ۱ ص ۱۰۲؛ تاریخ مدینه دمشق: ج ۲۳ ص ۲۷۱؛ البدايه والنهائیه: ج ۱ ص ۱۰۹ (۱۷) المعجم الکبیر، طبرانی: ج ۶ ص ۲۲۱ (۱۸) مروج الذهب: ج ۱ ص ۳۴۳؛ جهت اطلاع بیشتر از جانشینان پیامبران به کتاب إثبات الوصیّه مسعودی مراجعه شود. (۱۹) سوره انعام / آیه ۹۰ (۲۰) لأنّ النبی استخلف فی کلّ غزاة غزاهما، رجلاً من أصحابه. تفسیر قرطبی: ج ۱ ص ۲۶۸ (۲۱) عون المعبود، عظیم آبادی: ج ۸ ص ۱۰۶؛ کتر العمّال: ج ۸ ص ۲۶۸؛ طبقات الکبری، ابن سعد: ج ۴ ص ۲۰۹؛ الإصابه: ج ۴ ص ۴۹۵؛ و مغنی ابن قدامة: ج ۲ ص ۳۰ (۲۲) تنبیه و إشراف، مسعودی: ص ۲۱۱، ۲۱۳ - ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۳۱ و ۲۳۵؛ تاریخ خلیفه، ابن خیاط: ص ۶۰ (۲۳) روی ابن إسحاق بإسناده عن عائشه زوج النبی صلی الله علیه وآله، قالت: خرج رسول الله إلى الحجّ لخمس لیلٍ بقین من ذی القعدة، استعمل علی المدینه أبادجانه. قال ابن هشام: فاستعمل علی المدینه أبادجانه الساعدی ویقال سباع بن عرفطه الغفاری (سیره ابن هشام: ج ۴ ص ۱۰۲). (۲۴) کتاب الأمّ، شافعی: ج ۲ ص ۱۳۸ (۲۵) سیوطی به نقل از حاکم نیشابوری حدیث را صحیح شمرد (الدر المنثور: ج ۱ ص ۲۱۷). (۲۶) السیره الحلبیه، ج ۳، ص ۳۱۸ (۲۷) صحیح مسلم: ج ۴ ص ۳۳ (۲۸) مسند أحمد: ج ۴ ص ۲۸۶، باب حدیث قیس عنه البراء بن عازب؛ کتر العمّال: ج ۵ ص ۲۷۵؛ تذکره الحفّاظ: ج ۱ ص ۱۱۶؛ ذکر أخبار إصبهان: ج ۲ ص ۱۶۲. قال الهیثمی: «رواه أبو یعلی ورجاله رجال الصحیح.» مجمع الزوائد للهیثمی: ج ۳ ص ۲۳۳. وقال الذهبی: «هذا حدیث صحیح من العوالی.» سیر أعلام النبلاء: ج ۸ ص ۴۹۸ (۲۹) سوره حشر / آیه ۷ (۳۰) سوره نجم / آیه ۴ (۳۱) سوره احزاب / آیه ۳۶ (۳۲) صحیح مسلم: ج ۴ ص ۴۱، کتاب الحج باب حجّه النبی. (۳۳) روی ابن عساکر عن علی بن الحسین قال: قال مروان بن الحکم: ما كان فی القوم أحد أذفع عن صاحبنا من صاحبکم یعنی علیاً عن عثمان، قال: قلت: فما لكم تسبّونه علی المنبر؟ قال: لا یستقیم الأمر إلّا بذلك. تاریخ مدینه دمشق: ج ۴۲ ص ۴۳۸؛ الصواعق المحرقة: ص ۳۳؛ النصائح الکافیة: ص ۱۱۴، به نقل از شرح نهج البلاغه الدارقطنی: ج ۱۳ ص ۲۲۰. قال البلاذری: قال مروان لعلی بن الحسین: ما كان أحد أكفّ عن صاحبنا من صاحبکم. قال: فلم تشتمونه علی المنابر؟! قال: لا یستقیم لنا هذا إلّا بهذا. أنساب الأشراف: ص ۱۸۴ (۳۴) رجوع شود به: تاریخ طبری: ج ۲ ص ۴۰۳؛ البدايه والنهائیه: ج ۵ ص ۱۷۰ و سیره حلبی: ج ۳ ص ۳۲۲ (۳۵) المستدرک: ج ۱ ص ۹۳ (۳۶) قال الصادق علیه السلام: «حدیثی حدیث أبی و حدیث أبی حدیث جدی و حدیث جدی حدیث الحسین و حدیث الحسین حدیث الحسن و حدیث الحسن حدیث أميرالمؤمنین و حدیث أميرالمؤمنین حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله و حدیث رسول الله صلی الله علیه وآله قول الله عزّوجلّ». کافی، ج ۱، ص ۵۳ (۳۷) إنّ أحرهم أن یحملهم علی کتاب ربّهم وسنّه نبیّهم لصاحبک، والله لئن ولیها لیحملنهم علی المحجّه البیضاء والصرراط المستقیم. شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۳۲۷ و ج ۱۲، ص ۵۲ (۳۸) نهج البلاغه محمد عبده، ج ۳، ص ۸۳، نامه ۵۳ (۳۹) خصال صدوق: ج ۱ ص ۷۲؛ مجمع الزوائد: ج ۱ ص ۱۳۹.

۴۰) تاریخ یعقوبی: ج ۲ ص ۱۰۹. ۴۱) جهت توضیح بیشتر این بخش از حدیث، به کتاب «شرح اصول الکافی، مولی محمد صالح مازندرانی» و «التمهید، ابن عبد البر» مراجعه شود. ۴۲) نهج البلاغه، خطبه ۲۱۵. ۴۳) مسند أحمد، ج ۴، ص ۲۷۰. ۴۴) نهج البلاغه صبحی صالح، ص ۱۸۴، شماره ۱۲۷. ۴۵) مستدرک، ج ۳، ص ۱۴۹، ابن حجر، صواعق المحرقة، ص ۹۱ و ۱۴۰ ط المیمیه وص ۱۵۰ و ۲۳۴ ط المحمدیه و صححه، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۱۰۲، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۴۳، موده أهل البيت عليهم السلام لمركز الرساله، ۱۰۶، نقلاً عن الخصائص الكبرى سیوطی، ج ۲، ص ۲۶۶ و احمد بن حنبل، فضائل الصحابه، ج ۳، ص ۶۷۱ - ۱۱۴۵. ۴۶) الصواعق المحرقة، ص ۲۳۷ ط المحمدیه و ص ۱۴۳ ط المیمیه. ۴۷) المراجعات، ۷۷. ۴۸) قَدْحان: أقداح جمع قدح. ۴۹) معجم الكبير، ج ۳، ص ۱۸۰، سیره حلبی، ج ۳، ص ۳۳۶. ۵۰) شواهد التنزیل: ۱/۱۹۲، الشاهد رقم ۲۵، و روح المعانی: ۲/۳۴۸، تفسیر آیه. (۶/۱۹۲)، ۵۱) سوره مائده آیه ۶۷. ۵۲) اشاره به آیه (۶۷) سوره مائده. فَإِنَّ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ. ۵۳) احزاب (۳۳)، آیه ۶. ۵۴) صحیح بخاری، ج ۷، ص ۲۰۷ (۱۲۵۹)، رقم ۶۵۸۷) کتاب الرقاق، باب فی الحوض. ۵۵) تفسیر ثعلبی، ج ۷، ص ۱۹۹، تفسیر البغوی، ج ۳، ص ۴۱۲، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۱۲۸. ۵۶) کافی، ج ۱، ص ۴۰۳. ۵۷) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۹. ۵۸) کتاب سلیم بن قیس، ص ۳۷۹ و بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۱۴۸. ۵۹) بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۷۸ به نقل از کتاب «الطرف» سید بن طاووس. ۶۰) غیبت نعمانی، ص ۲۹۰، اختصاص شیخ مفید، ص ۲۵۷، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳۹ و نهج السعاده، ج ۸ ص ۸۱. ۶۱) سوره قصص، آیه ۲۴. ۶۲) نهج البلاغه خطبه ۱۶۰

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البيت عليهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت عليهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

